



The Impact of Economic Security on Income Inequality in Iran

Elnaz Qeytasi¹, Zana Mozaffari^{2*}, Ramin Amani³

1. M.A., Department of Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Email: qeytasielnaz@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Corresponding Author. Email: Z.mozaffari@uok.ac.ir

3. Ph.D. Candidate, Department of Economic Development and Planning, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: Hashem.zare@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 05-02-2025
Accepted: 06-04-2025

Keywords:
Economic Security,
Income Inequality,
Iran, Quantile
Regression.

Abstract

Income inequality remains a critical issue in economics and social development, since, the unequal distribution of wealth and opportunities often leads to deeper class divides and increased social tensions. Furthermore, income inequality can reduce the quality of life for low-income individuals, leading to a decline in social activities and slowing economic growth. Conversely, economic security is a key factor influencing both quality of life and economic development. The objective of the present study is to examine the impact of economic security on income inequality in Iran over the period 1989 to 2021, using a multiple regression model.

The results indicate that economic security, healthcare expenditure, government size, and foreign direct investment exert a statistically significant negative effect on income inequality, suggesting that improvements in these areas are associated with reduced income disparities. In contrast, inflation, unemployment, and urbanization exhibit a significant positive relationship with income inequality, implying that increases in these variables exacerbate income inequality. The findings of this study can provide insights for policymakers by identifying the drivers of income inequality, in turn, assisting policymakers in adopting appropriate strategies for reducing income inequality and promoting social justice.

Cite this article: Qeytasi, E., Mozaffari, Z., & Amani, R. (2025). The Impact of Economic Security on Income Inequality in Iran. *Journal of Defense Economics & Sustainable Development*, 10 (37), 33-67.

[20.1001.1.30607531.1404.10.37.2.0](https://doi.org/10.1001.1.30607531.1404.10.37.2.0)



© The Author(s) 2025. Published by Defense Economics Scientific Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)



تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران

الناز قیطاسی^۱، زانا مظفری^۲، رامین امانی^۳

۱. کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

رایانامه: gevtasielnaz@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. نویسنده مسئول.

رایانامه: Z.mozaffari@uok.ac.ir

۳. دانشجوی دکترا، گروه توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

رایانامه: R.amani@modares.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله علمی

تاریخچه مقاله:

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

واژگان کلیدی:

امنیت اقتصادی، نابرابری

درآمدی، ایران، رگرسیون

چندکی.

نابرابری درآمدی یکی از موضوعات محوری در حوزه اقتصاد و توسعه اجتماعی است که به شدت بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است. این مسئله با توزیع نامتناسب ثروت و فرصت‌ها در جامعه، می‌تواند موجب افزایش شکاف طبقاتی و ایجاد تنش‌های اجتماعی شود. نابرابری درآمدی نه تنها به کاهش کیفیت زندگی افراد کم‌درآمد منجر می‌شود، بلکه باعث کاهش فعالیت‌های اجتماعی و کندشدن رشد اقتصادی نیز می‌گردد. در کنار نابرابری درآمدی، امنیت اقتصادی نیز به عنوان یکی دیگر از عوامل کلیدی در تعیین کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی، نقش مهمی ایفا می‌کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمدی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ با استفاده از مدل رگرسیون چندکی است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که امنیت اقتصادی، سهم مخارج بهداشتی، اندازه دولت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی و معناداری بر نابرابری درآمدی دارند. به این معنا که هرچه موارد ذکر شده افزایش یابند، نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. درحالی‌که متغیرهای نرخ تورم، نرخ بیکاری و شهرنشینی تأثیر مثبت و معنادار بر نابرابری درآمدی در کشور ایران دارند. یعنی با افزایش این موارد نابرابری درآمدی نیز تشدید می‌شود. این یافته‌ها می‌توانند به سیاست‌گذاران کمک کنند تا با شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی و تحلیل اثرات آن‌ها، راهکارهای مناسبی برای کاهش شکاف درآمدی و بهبود عدالت اجتماعی ارائه دهند.



۱. مقدمه

در ایران، نابرابری درآمدی به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و جامعه بوده است. این نابرابری به معنای توزیع نابرابر ثروت و درآمد بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است که می‌تواند به افزایش شکاف طبقاتی، کاهش رفاه عمومی و ناپایداری اجتماعی منجر شود. در سال‌های اخیر، عواملی مانند نوسانات اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و تغییرات در سیاست‌های اقتصادی نقش بسزایی در تشدید نابرابری درآمدی داشته‌اند. امنیت اقتصادی در ایران که به معنای اطمینان از دسترسی پایدار و کافی به منابع مالی و معیشت برای تمامی افراد جامعه است، تحت تأثیر مستقیم این نابرابری قرار دارد (مونگوش و همکاران^۱، ۲۰۲۴). امروزه نابرابری درآمدی یکی از عوامل تأثیرگذار بر ثبات و رفاه اقتصادی در جوامع پیشرفته و در حال توسعه به شمار می‌آید. نابرابری درآمدی یکی از چالش‌های مهم جوامع است که فرصت فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی برابر را به تمامی افراد جامعه نمی‌دهد و در نهایت با ایجاد چنین موانعی مسیر رشد و توسعه اقتصادی را با مشکل جدی مواجه می‌کند (واهیونینگرم و آسیه^۲، ۲۰۲۳). بالابودن سطح نابرابری درآمدی منجر به نابرابری فرصت‌ها، نقض حقوق بشر، درگیری و تشدید فقر در جامعه می‌شود (گرادین و همکاران^۳، ۲۰۲۱). همچنین، نابرابری درآمدی تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه دارد؛ زیرا بالابودن سطح نابرابری درآمد در این کشورها نسبت به کشورهای توسعه‌یافته‌تر، پیامدهای منفی و مخرب بیشتری بر رشد اقتصادی خواهد گذاشت (لی و لونکو^۴، ۲۰۲۳). بر اساس پژوهش‌های اخیر، فساد، تورم و بیکاری مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار هستند که باعث افزایش نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه می‌شوند (نانتوب^۵، ۲۰۱۵). هرچه نابرابری درآمد در یک جامعه کمتر شود منجر به ارتقای بخش سلامت می‌شود. امید به زندگی یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده سلامت به شمار می‌رود، با توجه به این مسئله که نابرابری درآمد بر شاخص توسعه انسانی تأثیر بسزایی دارد، علاوه بر این که درصد امید به زندگی و درآمد سرانه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر سلامت افراد جامعه نیز تأثیرگذار است (استادی و صادقی^۶، ۲۰۲۱). افزایش روند نابرابری درآمد در ایران طی سال‌های اخیر، منجر به ایجاد تنش‌های اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و کاهش رشد اقتصادی شده است (زاروکی و همکاران^۷، ۲۰۲۲؛ ویراشکا و کارپینسکا^۸، ۲۰۲۰). در نتیجه، وجود امنیت اقتصادی در یک جامعه بسیار مهم است؛ زیرا حفاظت از منافع اقتصادی، توسعه و ثبات کشورها را تضمین می‌کند (بابنکو و همکاران^۹، ۲۰۲۲). امنیت اقتصادی بر ایجاد مشاغل جدید، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت کالاها و خدمات

1. Монгуш et al.

2. Wahyuningrum & Aisyah

3. Gradín et al.

4. Li & Lunku

5. Nantob

6. Ostadi & Sadeghi

7. Zaroki et al.

8. Wiraszka & Karpinska

9. Babenko et al.

اثر می‌گذارد و منجر به رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی می‌شود (سادیکووا و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ کلیچوا و همکاران^۲، ۲۰۲۲؛ فتوفیلووا و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

موارد فوق نشان‌دهنده اهمیت بررسی تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد است و تحقیقات در این زمینه می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد کمک کند. نابرابری درآمد می‌تواند اقتصاد جوامع را تحت تأثیر قرار دهد، به شکلی که کاهش نابرابری موجب رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی بیشتر، کاهش فقر، ارتقای نوآوری، آزادی فردی و در نهایت بهبود کیفیت زندگی افراد در جامعه می‌شود (درام و بلوک^۴، ۲۰۲۳). علاوه بر این، زمانی که شوک‌های اقتصادی ناشی از سیاست‌های پولی رخ می‌دهند، نابرابری درآمد نقش اثرگذاری در این زمینه دارد و باید مورد توجه سیاست‌مداران قرار گیرد (ندو و همکاران^۵، ۲۰۱۹). نابرابری درآمد در کشور ایران بر انگیزه پزشکان عمومی تأثیر زیادی دارد و در نتیجه عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این امر باعث می‌شود بحث نابرابری درآمد در بخش سلامت نقش بسزایی داشته باشد (بیاتی و همکاران، ۲۰۱۹). امنیت اقتصادی استقلال و توسعه پایدار را در کشورها به وجود می‌آورد و موجب تقویت پایه‌های امنیت ملی نیز می‌شود که این امر به کشورها این امکان را می‌دهد که از اقتصاد خود در برابر تهدیدات داخلی و خارجی محافظت کنند (اوستینوویچ، ۲۰۲۲). مسئله اصلی تحقیق بررسی تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد است. امنیت اقتصادی به عنوان یک عامل مهم در تعیین دسترسی افراد و کسب‌وکارها به فرصت‌های اقتصادی و افزایش درآمد، می‌تواند نقش مهمی در توزیع درآمد داشته باشد.

از طرف دیگر، نگاهی به آمار و ارقام گویای ضرورت موضوع حاضر است. ضریب جینی شاخصی برای سنجش نابرابری درآمدی است که بین صفر (برابری کامل) تا ۱۰۰ (نابرابری کامل) قرار دارد. در ایران، میانگین این شاخص بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ حدود ۴۰/۹ درصد بوده است. برخی کشورها مانند ترکیه، برزیل و مکزیک نابرابری بیشتری دارند، درحالی‌که اسلواکی کمترین و آفریقای جنوبی بیشترین نابرابری را تجربه کرده‌اند. در سال ۲۰۲۱، یک درصد ثروتمند ایران ۱۸/۲ درصد و ۱۰ درصد ثروتمند ۳۱/۷ درصد از کل درآمد کشور را در اختیار داشتند، درحالی‌که ۴۰ درصد فقیر جامعه تنها ۱۶/۳ درصد از درآمد را کسب کرده‌اند. از طرف دیگر، امنیت اقتصادی شاخصی بین صفر (وضعیت نامطلوب) و ۱۰۰ (وضعیت مطلوب) است. در ایران، این شاخص در سال ۱۳۶۸ برابر با ۰/۰۹۱ بود و تا ۱۳۸۸ به ۰/۵۲۴ افزایش یافت، اما پس از نوساناتی، تا ۱۴۰۰ روند کاهشی داشت. عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی شامل رشد اقتصادی، امنیت غذایی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تحریم‌ها، وابستگی به درآمد نفتی، تورم، رکود، بیکاری و پایداری سیاسی است.

1. Sadykova et al.

2. Klychova et al.

3. Feofilova et al.

4. Drumm & block

5. Ndou et al.

با توجه به موارد فوق، این تحقیق به بررسی تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ با استفاده از رگرسیون کوانتایل می‌پردازد و اهمیت ایجاد و حفظ امنیت اقتصادی برای کاهش نابرابری درآمد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

۲-۱-۱. نابرابری درآمد

نابرابری درآمد به معنای توزیع نامناسب و ناهموار درآمد در بین افراد جامعه است که باعث می‌شود توزیع ثروت بین آن‌ها عادلانه نباشد (اووایو و همکاران^۱، ۲۰۲۱؛ سوییاری و اردخدیفه^۲، ۲۰۲۳). تغییرات فناوری و تکنولوژی که منجر به افزایش مهارت کارگران می‌شود می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر تشدید نابرابری درآمد باشد (سویلو و همکاران^۳، ۲۰۲۱). برای اندازه‌گیری نابرابری درآمد شاخص‌های متعددی وجود دارند که نابرابری درآمد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند از جمله: منحنی لورنز، ضریب جینی، شاخص تیل، سهم مصرف فقرا، نسبت پراکندگی، شاخص لگاریتم انحراف معیار و شاخص اتکینسون است. نابرابری درآمد به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم و تأثیرگذار در کشورها، منجر به کاهش مصرف و ارزش افزوده اقتصادی می‌شود. از این‌رو رشد اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود (چلنگ لوسانچ^۴، ۲۰۲۲). عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد علاوه بر حوزه اقتصادی، حوزه‌های دیگر همچون، حوزه توسعه انسانی و سطح تحصیلات و تغییرات در سن و اندازه جمعیت را نیز در برمی‌گیرد (مارگارت اووایو و همکاران^۵، ۲۰۲۱).

۲-۱-۲. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی یک بعد حیاتی از ثبات اقتصاد کلان است که بر امنیت ملی و توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد. این شامل عوامل مختلفی از جمله ثبات مالی، مشارکت‌های دولتی و خصوصی و سازگاری سیاست‌های اقتصادی با تغییرات جهانی است. امنیت مالی نهادهای اقتصادی ضروری است، زیرا بحران‌ها می‌توانند دوام آن‌ها را تهدید کنند. مدیریت ناکارآمد و روابط بانکی این خطرات را تشدید می‌کند و منجر به ورشکستگی بالقوه و کاهش انعطاف‌پذیری اقتصادی می‌شود (نیکیتسکایا^۶، ۲۰۲۳). وابستگی متقابل بین امنیت اقتصادی و ملی نشان می‌دهد که یک اقتصاد قوی، پایه‌ای برای سیستم‌های تأثیرگذار امنیت ملی است (تالیجان و همکاران^۷، ۲۰۱۵). چشم‌انداز جهانی در حال تحول، مستلزم ارزیابی مجدد چارچوب‌های امنیتی اقتصادی است. تحولات تکنولوژیکی و سیاسی چالش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد که نیازمند استراتژی‌های تطبیقی

1. Uwayo et al.

2. Sugiarti & Erdkhadifa

3. Soyly et al.

4. Czelleng & losoncz

5. Margaret Uwayo

6. Nikitskaya

7. Taliijan et al.

هستند (دیاچکوف^۱، ۲۰۲۲). مدل‌های ارزیابی مؤثر برای امنیت اقتصادی می‌تواند به شناسایی آسیب‌پذیری‌ها و افزایش انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی کمک کند (لوکوسکا و دوبریانسکی^۲، ۲۰۲۲). درحالی‌که امنیت اقتصادی برای ثبات حیاتی است، می‌باید توجه شود که تمرکز بیش از حد بر اقدامات امنیتی می‌تواند منجر به ناکارآمدی و مانع نوآوری شود. تعادل امنیت با سیاست‌های رشد محور برای توسعه پایدار ضروری است. امنیت اقتصادی مفهومی چندوجهی است که جنبه‌های مختلف اقتصادی، رفاهی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و به شرایطی گفته می‌شود که در آن اطمینان از رشد درآمد شخصی، مبارزه با بیکاری و فقر، ارتقای نوآوری و رقابت‌پذیری وجود دارد (سادیکووا و همکاران^۳، ۲۰۲۳). مرکز آمار اروپا امنیت اقتصادی را یکی از زیربخش‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی تعریف کرده است (باگلیتاس و حیریه^۴، ۲۰۲۳). به‌طور کلی می‌توان گفت که رشد اقتصادی، امنیت غذایی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که امنیت اقتصادی را تعریف می‌کنند. رشد اقتصادی بالاتر در یک جامعه منجر به افزایش سطح امنیت اقتصادی می‌شود. از طرفی، امنیت غذایی با کاهش فقر در جامعه امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهد. افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشور، سطح امنیت اقتصادی را نیز ارتقا می‌دهد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۸). استراتژی‌ها و شاخص‌های متعددی برای سنجش ناامنی اقتصادی وجود دارند؛ یک روش استفاده از مدل‌های تخمین مساحت کوچک برای به‌دست‌آوردن تخمین‌های قابل‌اعتماد از شاخص‌های امنیتی اقتصادی است که در مناطقی با حجم نمونه کم، نتیجه بهتری داده است (مارینو و پیسی، ۲۰۲۳).

یکی از شاخص‌های دیگری که به اندازه‌گیری ناامنی اقتصادی پرداخته است، شاخص ناامنی اقتصادی چندبعدی است. این شاخص از ۴ عامل تشکیل شده است که شامل: شوک‌های غیرمنتظره اقتصادی، اشتغال بیمه نشده یا افرادی که در خانوار شاغل نیستند، بدهی بیش از اندازه و فقر در دارایی است. عوامل ذکر شده موجب اضطراب و استرس می‌شوند که مرتبط با عدم وجود امنیت اقتصادی است (پریو^۵، ۲۰۲۲). شاخص ناامنی اقتصادی با استفاده از ترکیب شش شاخص ناتوانی در مواجهه با هزینه‌های غیرمنتظره، نارضایتی مالی، کاهش درآمد، خطر بیکاری، تغییرات در توانایی برای رفتن به تعطیلات و احتمال وقوع مشکلات جدی یا ناگهانی در مصرف یا هزینه‌ها به یک شاخص واحد به دست می‌آید که می‌تواند در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی کمک شایانی به سیاست‌گذاران اقتصادی بکند (روماگوئرا - د-لا - کروز^۶، ۲۰۲۰). امنیت اقتصادی جزء حیاتی امنیت ملی است که حفاظت در برابر تهدیدات مختلف برای رفاه اقتصادی یک کشور را در برمی‌گیرد. امنیت اقتصادی شامل حفاظت از حاکمیت اقتصادی، تضمین رشد، مبارزه با بیکاری، فقر و وابستگی به واردات و پرورش نوآوری است (اوستینوویچ^۷، ۲۰۲۲). مفهوم امنیت اقتصادی چندبعدی است و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، مالی،

1. Diachkov

2. Levkovska & Dobryansky

3. Sadykova et al.

4. Baglitas & Hayriye

5. Prieto

6. Romaguera-de-la-Cruz

7. Ustinovich

سیاسی، زیست‌محیطی و اپیدمیولوژیک را پوشش می‌دهد (سادیکووا و همکاران^۱، ۲۰۲۳). فرایندهای ادغام و جهانی‌سازی نیاز به شاخص امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهند. در مواجهه با چالش‌هایی مانند همه‌گیری کووید-۱۹، کشورها باید اقداماتی را برای محافظت از ثبات اقتصادی، استانداردهای زندگی و امنیت کلی اجرا کنند. همچنین امنیت اقتصادی نقش مهمی در شکل‌دادن به امنیت ملی و جایگاه جهانی یک کشور ایفا می‌کند (ایسرویل و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

امنیت اقتصادی کشورها از طریق شاخص‌ها و روش‌های مختلف اندازه‌گیری می‌شود. مطالعات بر روی شاخص‌های کیفیت زندگی فراتر از تولید ناخالص داخلی رفته‌اند که در آن‌ها امنیت اقتصادی به‌عنوان یک جنبه کلیدی در نظر گرفته می‌شود. رویکردهای مختلف شامل استفاده از شاخص مدیریت کیفیت بر اساس استانداردهای بین‌المللی هستند (باغلیتاش و اتیک^۳، ۲۰۲۳). از آنجایی که تعریف و شاخصی که مورد اجماع اقتصاددانان و سیاست‌مداران در دنیا باشد برای امنیت اقتصادی وجود ندارد از این رو شاخص‌های مورد استفاده برای تخمین این شاخص ممکن است از یک مطالعه به مطالعه دیگر متفاوت باشد. در این مطالعه برای برآورد شاخص امنیت اقتصادی از مطالعه عزتی و همکاران (۱۳۹۸) استفاده شده است که از سه متغیر رشد اقتصادی، امنیت غذایی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بهره گرفته شده و با استفاده روش منطق فازی به برآورد شاخص امنیت اقتصادی پرداخته شده است.

۲-۱-۳. نحوه تأثیرگذاری امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد

تاکنون مطالعه مستقیمی مبنی بر اثر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران صورت نگرفته است. اما امنیت اقتصادی از طریق کانال‌های مختلفی می‌تواند بر نابرابری اثر بگذارد. نابرابری درآمدی و امنیت اقتصادی از جمله مباحث کلیدی در اقتصاد توسعه و سیاست‌گذاری عمومی هستند که می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و ثبات جوامع داشته باشند. برای بررسی رابطه بین این دو مفهوم، استفاده از چارچوب‌های نظری مختلف از جمله نظریه کوزنتس، نظریه رفاه اجتماعی و مدل‌های امنیت اقتصادی می‌تواند به تحلیل دقیق‌تر این رابطه کمک کند.

۲-۱-۳-۱. نظریه کوزنتس و رابطه رشد اقتصادی با نابرابری درآمدی

یکی از نظریات برجسته در حوزه نابرابری، نظریه منحنی کوزنتس است که توسط سایمون کوزنتس ارائه شد. این نظریه بیان می‌کند که در مراحل اولیه رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد، اما پس از رسیدن به سطح معینی از توسعه، این نابرابری کاهش پیدا می‌کند. به بیان دیگر، منحنی کوزنتس دارای یک شکل U معکوس است که نشان می‌دهد اقتصادهای در حال توسعه ابتدا با افزایش نابرابری مواجه می‌شوند، اما در مراحل پیشرفته‌تر توسعه، سیاست‌های بازتوزیعی، گسترش آموزش و افزایش دسترسی به فرصت‌های

1. Sadykova et al.

2. Isroilov

3. Bağlıtaş & Atik

اقتصادی، باعث کاهش نابرابری خواهد شد (گالبریت^۱، ۲۰۱۲). بر اساس این نظریه، می‌توان استدلال کرد که امنیت اقتصادی به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر می‌تواند روند کاهش نابرابری را تسریع کند. به این معنا که اگر دولت‌ها سیاست‌های مؤثری در جهت افزایش امنیت اقتصادی مانند توسعه بازارهای کار پایدار، تقویت سیستم‌های بیمه اجتماعی و بهبود حقوق مالکیت اتخاذ کنند، می‌توانند از شدت نابرابری در مراحل اولیه توسعه اقتصادی بکاهند و فرآیند گذار به سمت جوامع با توزیع درآمدی عادلانه‌تر را تسریع کنند (میلانویچ^۲، ۲۰۱۶).

۲-۳-۱-۲. نظریه رفاه اجتماعی و تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری

نظریه رفاه اجتماعی تأکید دارد که سطح رفاه در یک جامعه نه تنها به رشد اقتصادی بلکه به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها بستگی دارد. از این منظر، امنیت اقتصادی یکی از مؤلفه‌های اساسی رفاه اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا تضمین یک سطح حداقلی از معیشت و کاهش ریسک‌های اقتصادی می‌تواند به کاهش نابرابری درآمدی منجر شود (سن^۳، ۱۹۹۹). طبق این نظریه، دولت‌ها می‌توانند از طریق سیاست‌های بازتوزیعی مانند تأمین اجتماعی، یارانه‌های هدفمند، و سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت، سطح امنیت اقتصادی را افزایش داده و نابرابری درآمدی را کاهش دهند. امنیت اقتصادی از این جهت حائز اهمیت است که افراد با برخورداری از آن، امکان مشارکت فعال‌تر در بازار کار و سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت را پیدا می‌کنند که در نهایت به کاهش شکاف درآمدی منجر خواهد شد (اتکینسون^۴، ۲۰۱۶).

۲-۳-۱-۳. مدل‌های امنیت اقتصادی و شاخص ناامنی اقتصادی چندبعدی

برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین امنیت اقتصادی و نابرابری درآمدی، استفاده از شاخص‌های چندبعدی امنیت اقتصادی ضروری است. یکی از مدل‌های معتبر در این زمینه، مدل ناامنی اقتصادی چندبعدی است که توسط آزرگ و شارپ^۵ (۲۰۰۲) توسعه یافته است. این مدل امنیت اقتصادی را بر اساس چهار بعد کلیدی تعریف می‌کند:

۱. ثبات درآمدی: میزان پایداری درآمد خانوارها و جلوگیری از سقوط ناگهانی درآمد.
۲. امنیت شغلی: دسترسی به فرصت‌های شغلی پایدار و جلوگیری از بیکاری‌های بلندمدت.
۳. پوشش بیمه اجتماعی: میزان دسترسی به سیستم‌های حمایتی مانند بیمه بیکاری، بیمه درمانی و مستمری‌های بازنشستگی.
۴. ثبات قیمت‌ها: تأثیر تورم بر قدرت خرید خانوارها و توانایی تأمین نیازهای اساسی.

1. Galbraith, J. K.

2. Milanovic, B.

3. Sen, A.

4. Atkinson, A. B.

5. Osberg, L., & Sharpe, A.

مطالعات نشان داده‌اند که افزایش امنیت اقتصادی در این ابعاد می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کاهش نابرابری درآمدی داشته باشد. به‌عنوان مثال، کاهش ناامنی شغلی و افزایش حمایت‌های اجتماعی می‌تواند از افزایش فاصله طبقاتی جلوگیری کرده و افراد را در برابر شوک‌های اقتصادی محافظت کند (هاکر و همکاران^۱، ۲۰۱۴). رشد اقتصادی به همراه امنیت غذایی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی در کشور ایران هستند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین، درآمد قابل تصرف و اندازه‌گیری ریسک اقتصادی به همراه عوامل اجتماعی، سیاسی و محیطی مانند سطح درآمد، ثبات شغلی، سیستم‌های تأمین اجتماعی، توان مقابله افراد با هزینه‌های غیرمنتظره از عوامل مهم و تأثیرگذار در اندازه‌گیری شاخص امنیت اقتصادی از منظر مرکز آمار اروپا به شمار می‌آیند (باگلیتاس و حیریه^۲، ۲۰۲۳). از دیگر عوامل اثرگذار در سنجش امنیت اقتصادی می‌توان به تولید ناخالص داخلی، سرانه تولید ناخالص داخلی، تورم، بیکاری، کسری بودجه، بدهی دولت و خالص صادرات اشاره کرد (روماگوئرا - د-لا - کروز^۳، ۲۰۲۰). همان‌طور که اشاره شد امنیت غذایی خود یکی از عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی در کشور ایران است. روند تغییرات آب‌وهوایی با تحت‌تأثیر قراردادن کشت محصولات غذایی مانند گندم و برنج که در ایران از جمله مواد غذایی اساسی در تعریف امنیت غذایی به شمار می‌آیند و همچنین کاهش دسترسی و استخراج منابع آبی، به طور مستقیم بر امنیت غذایی و به طور غیرمستقیم در کنار عواملی همچون نرخ ارز و تقاضا برای عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) بر امنیت اقتصادی اثر می‌گذارد (جوادی و همکاران^۴، ۲۰۲۳).

رشد اقتصادی بسته به شرایط گوناگون می‌تواند اثرات متفاوتی بر نابرابری داشته باشد. برخی مطالعات نشان می‌دهد که رشد اقتصادی با ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش سطح درآمد قشر فقیر جامعه می‌تواند منجر به کاهش نابرابری شود. با این‌وجود مطالعات دیگر استدلال می‌کنند که رشد اقتصادی هنگامی که فقط به قشر ثروتمند جامعه برسد می‌تواند باعث تشدید نابرابری شود. عواملی همچون سیاست‌های دولت، توزیع ثروت و دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی می‌توانند در چگونگی اثرگذاری رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد اثرگذار باشند (آقایی و لین لاول^۵، ۲۰۲۲). از طرفی، بالابودن سطح امنیت غذایی در یک جامعه نیز به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌دهنده و مهم امنیت اقتصادی می‌تواند بر نابرابری درآمد تأثیرگذار باشد و منجر به کاهش آن شود (لی و همکاران^۶، ۲۰۱۵). تورم در ایران، به دو نحو، بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد. از یک سو، باعث افزایش فشار اقتصادی بر اقشار ضعیف، ایجاد عدم اطمینان در بازارهای مالی، و کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود که به رشد اقتصادی ضربه می‌زند. از سوی دیگر، تغییر در نرخ تورم، منجر به ایجاد یک شکاف قابل‌توجه بین دهک‌های پایین و بالای درآمدی می‌شود که به مرور زمان افزایش می‌یابد (زرزکی و همکاران^۷، ۲۰۲۲).

1. Hacker, J. S., et al.

2. Baglitias & Hayriye

3. Romaguera-de-la-Cruz

4. Javadi et al.

5. Aghaei & Lin Lawell

6. Lee et al.

7. Zaroki et al.

در سطح جهانی، افزایش یک درجه سانتیگراد در درجه حرارت کره زمین موجب افزایش ۹/۱ درصدی فقر و افزایش ۱/۴ درصدی در ضریب جینی می شود که به نوبه خود منجر به کاهش امنیت غذایی می شود که این امر موجب افزایش نابرابری درآمد می شود (دانگ و همکاران^۱، ۲۰۲۳). ریسک اقتصادی بالاتر نیز منجر به کاهش رشد اقتصادی می شود و از این طریق بر بالابردن نابرابری درآمدی تأثیر مثبتی دارد به این معنا که منجر به افزایش آن می شود (لی و وانگ^۲، ۲۰۲۱؛ وو و همکاران^۳، ۲۰۲۲؛ پتراکوس و همکاران^۴، ۲۰۲۳). ارتقا و ثبات رشد اقتصادی اگر با سیاست‌هایی همچون دسترسی همگانی به آموزش و اشتغال‌زایی در بلندمدت ترکیب شوند می توانند به کاهش نابرابری درآمد در جامعه کمک کنند (یلدریم و دیو^۵، ۲۰۲۱). امنیت اقتصادی نقش حیاتی در تأثیرگذاری بر نابرابری درآمد دارد برعکس، پایین بودن امنیت اقتصادی می تواند نابرابری درآمد را تشدید کند. همان طور که در مواردی که ناتوانی اقتصادی ناشی از خطر تروریسم و تغییر سیاست‌های اقتصادی با افزایش سطوح نابرابری اقتصادی همراه است، مشاهده می شود که امنیت اقتصادی به خطر افتاده است و نابرابری درآمد را شدت می بخشد (پانس و همکاران^۶، ۲۰۲۱). در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، نابرابری درآمد به کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر شده است (انکوب و همکاران^۷، ۲۰۱۴). به علاوه، عواملی مانند هزینه‌های نظامی در کشورهای عضو منا با اینکه امنیت اقتصادی را تقویت می کنند؛ اما تأثیر منفی بر نابرابری اقتصادی دارند. امنیت اقتصادی در ایران تأثیر قابل توجهی بر نابرابری درآمد دارد (انکوب و همکاران^۸، ۲۰۱۴). تحقیقات نشان می دهد که عوامل مختلف در این رابطه نقش دارند و مطالعات نشان می دهند که رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر نابرابری درآمد دارد (شهابادی و همکاران^۹، ۲۰۱۵). طبق مطالعات و تحقیقات انجام شده از جمله مطالعات لی و وانگ^{۱۰} (۲۰۲۱)؛ وو و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۲)؛ پتراکوس و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۳) اثر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمدی در ایران را می توان به صورت نمودار (۱) خلاصه کرد.

1. Dang et al

2. Lee & Wang

3. Wu et al.

4. Petrakos et al.

5. Petrakos et al.

6. Pance et al.

7. Ncube et al.

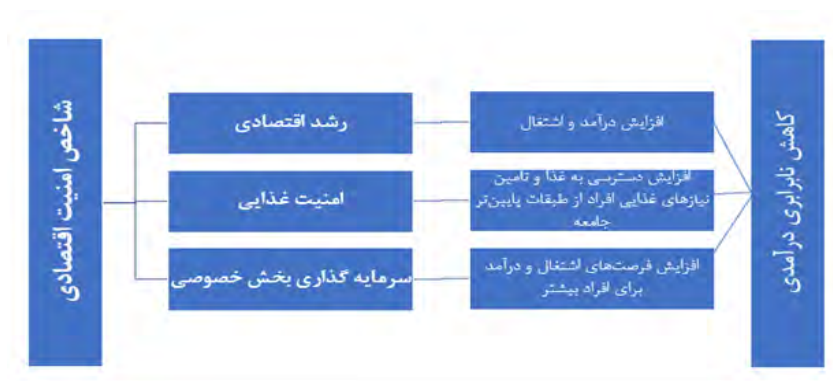
8. Ncube et al.

9. Shahabadi et al.

10. Lee & Wang

11. Wu et al.

12. Petrakos et al.



نمودار شماره (۱) نحوه اثرگذاری شاخص امنیت انرژی بر نابرابری درآمدی

منبع: نگارندگان پژوهش

۲-۲. پیشینه پژوهش

۲-۲-۱. مطالعات خارجی

جوادى و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به ارزیابی تغییرات اقلیمی بر امنیت غذایی در کشور ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تغییر متغیرهای اقلیمی تأثیر منفی بر امنیت غذایی و در دسترس بودن مواد غذایی در ایران دارد. همچنین، شبیه سازی ها نشان دادند که کاهش بارندگی و افزایش دما در مناطق کشت دیم می تواند موجب کاهش محصولات و امنیت غذایی و در نهایت بی ثباتی اقتصادی در آن مناطق شود.

عبدالله و حسین (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی نقش سیاست های مالی بر نابرابری درآمدی از طریق رشد اقتصادی در کشور عراق در سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ با استفاده از مدل های خودرگرسیون ناهمسانی واریانس شرطی و خودرگرسیون توزیعی با وقفه گسترده پرداخته اند. نتایج حاصل از برآوردها حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی رابطه منفی با فقر دارد طوری که با افزایش آن فقر کاهش می یابد.

تسنکوف^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه ای تحت عنوان مدلی برای ارزیابی امنیت اقتصادی، هدف از این تحقیق پیشنهاد مدلی برای ارزیابی امنیت اقتصادی بر اساس داده های موجود عمومی از منابع رسمی مانند یورو استات یا پایگاه های داده های ملی است. در این مدل به ۷ عامل کلیدی مؤثر بر رشد اقتصادی که عاملی مؤثر در اندازه گیری شاخص امنیت اقتصادی است اشاره شده که شامل تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم، بیکاری، کسری بودجه و بدهی دولت می شود. هرچه رشد اقتصادی از طریق عوامل ذکر شده بیشتر شود اثر مثبت و معنادار بر امنیت اقتصادی خواهد گذاشت.

جعفرزاده و شوقان^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر نابرابری درآمدی و آزادی تجاری بر رشد اقتصادی در کشور ایران طی دوره زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته به این نتیجه دست

1. Tsenkov

2. Jafarzadeh & Shuquan

یافتند که یک پیوند علی و معنادار بین آزادسازی تجاری و نابرابری درآمد وجود دارد که در نهایت بر رشد تجاری اثرگذار خواهد بود طوری که با افزایش آزادی تجاری رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.

ناتانائل و رهادیان^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان اثر اقتصادی سیاست امنیتی دموکراتیک در برابر بی‌عدالتی: مورد تجربی از کلمبیا، در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ با استفاده از مجموعه داده‌های باکیفیت بالا از شاخص‌های ثروت در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۶، همبستگی عملکرد اقتصادی و شرایط سیاسی - اجتماعی را توسعه می‌دهد. پارامترسازی این مدل با مجموعه داده‌هایی از نمودارها که وضعیت ثروت در کلمبیا را توصیف می‌کند، انجام شده است. نتایج پژوهش گویای آن است که امنیت اقتصادی با توزیع مجدد درآمدها از طریق ساختارها و سیاست‌های حاکمیتی مؤثر، نقش مهمی در تأثیرگذاری بر نابرابری درآمد ایفا می‌کند.

شهابادی و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر تقاضای واردات غلات در ایران طی بازه زمانی ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۸ با رویکرد تحلیل مدل تصحیح خطای برداری^۳ پرداختند. باتوجه به نتایج این تحقیق، این مطالعه رابطه مثبتی بین نابرابری درآمد و واردات غلات در ایران نشان داد. همچنین، ضریب نابرابری درآمد ۰/۵۵ درصد تعیین شد که نشان می‌دهد افزایش ۱ درصد در نابرابری درآمد منجر به افزایش ۰/۵۵ درصد در واردات غلات می‌شود.

۲-۲-۲. مطالعات داخلی

عاملی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر هزینه‌های سلامت بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ با استفاده از مطالعه وانگ و نگون تی (۲۰۲۱) که در آن مدل اثرات هزینه سلامت و دیگر متغیرهای اقتصادی بر ضریب جینی بررسی شده پرداختند. نتایج حاکی از آن هستند که اثر هزینه‌های سلامت بر نابرابری درآمد در کشورهایی که جزء ۱۰ درصد بالای درآمدی در این گروه هستند بسیار بیشتر از کشورهایی است که در پایین‌ترین سطح درآمدی قرار دارند.

لعل خضری و علی‌آبادی (۱۴۰۱) در مطالعه خود به بررسی نقش دولت در مبادله نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران طی بازه زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۸ با رویکرد خودرگرسیون برداری بیزن و با کمک شاخص اتکینسون پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دولت با افزایش مخارج عمرانی مولد و کاهش مخارج جاری غیرمولد و بهبود و شفافیت نظام مالیات ستانی به بهبود توزیع درآمد و افزایش رشد اقتصادی، برسد.

رادفر و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات متقابل نابرابری درآمد، رشد اقتصادی و اشتغال در ایران با در نظر گرفتن تورم و مخارج دولت به عنوان متغیرهای کنترلی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ با روش برداری خودرگرسیونی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه نابرابری درآمد و رشد اقتصادی

1. Natanael & Rahadian

2. Shahabadi et al.

3. Vector Error Correction Model (VECM)

مثبت است و رشد اقتصادی به صورت متوازن در ایران گسترش نیافته و منجر به بهبود درآمد خانوارها نشده است. بعلاوه، بین اشتغال و رشد اقتصادی رابطه معنادار وجود ندارد (به دلیل پدیده رکود تورمی).

شهبازی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به تحلیل آثار فقر و نابرابری درآمدی بر امنیت اقتصادی در ایران در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ با مدل‌های پویای گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر متغیرهای فقر و نابرابری درآمدی بر امنیت اقتصادی در ایران منفی و معنادار و افزایش فقر و نابرابری درآمدی منجر به کاهش امنیت اقتصادی در ایران خواهد شد.

عزتی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر امنیت اقتصادی طی بازه زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۵ در ایران با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پویا پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در بحث امنیت اقتصادی ایران ساختار سنی جمعیت اثر منفی و معناداری دارد. همچنین، رشد جمعیت، توسعه مالی، آزادی تجاری، موجودی سرمایه و نرخ پس‌انداز اثرات مثبت و معنادار بر شاخص امنیت اقتصادی داشته‌اند. نرخ تورم نیز تأثیر معناداری بر این شاخص نداشته است.

عصاری و همکاران (۱۳۸۸) پژوهشی را تحت عنوان تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ با استفاده از مدل‌های پانل پویا و پانل ایستا و همچنین روابط بین متغیرها را با مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته اثرات ثابت و اثرات تصادفی را محاسبه نموده‌اند. در این تحقیق نتایج حاکی از آن هستند که توسعه مالی با تأثیرگذاری که بر رشد اقتصادی دارد می‌تواند باعث کم‌شدن فقر و نابرابری شود.

مطالعات بسیاری در زمینه عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد در سطح داخلی و خارجی انجام شده است و در این مطالعات، اغلب به عوامل کلان و مشهود اقتصادی توجه شده است. این بررسی‌ها، به نتایج مختلفی رسیده‌اند که برخی نتایج مشابه و برخی نتایج با هم ناسازگار است. با این حال در مطالعات پیشین، به نقش متغیر پنهان امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد توجه چندانی نشده است و در این زمینه، خلأ مطالعاتی وجود دارد. متغیر امنیت اقتصادی، یک متغیر پنهان بوده و تحت تأثیر عوامل مختلف است؛ لذا می‌توان برای امنیت اقتصادی با استفاده از منطق فازی، یک شاخص جامع برای کشور ایجاد کرد. در مطالعه حاضر به تبعیت از مقاله عزتی و همکاران (۱۳۹۸) این شاخص‌سازی برای امنیت اقتصادی و به‌روزرسانی آن انجام می‌شود و از طرف دیگر تأثیر این شاخص بر نابرابری بررسی می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در علم آمار، پدیده‌های مختلف در قالب متغیرهای تصادفی مشاهده می‌شوند و مطالعه این متغیرها نیازمند شناخت توزیع آنها است. توزیع متغیرها اطلاعات ضروری را برای تفسیر یا پیش‌بینی روند آنها فراهم می‌کند. معیارهای آماری متعددی مانند واریانس، برجستگی و چولگی، اطلاعات مختلفی در مورد توزیع متغیرها ارائه می‌دهند (بامنی‌مقدم و خوش‌گویان‌فرد، ۱۳۸۳).

طبق ادبیات آماری، روش‌های آماری برای تحلیل و تعیین خصوصیات توزیع یک متغیر تصادفی به کار می‌روند. الگوی رگرسیون معمولی به بررسی رابطه میانگین با یک یا چند متغیر تشریحی می‌پردازد. به‌عنوان مثال، الگوی رگرسیون خطی (۱) را در نظر بگیرید که در آن فقط یک متغیر تشریحی وجود دارد:

$$Y_i = a + bX_i + e_i \quad (1)$$

در این الگو، e_i یک متغیر تصادفی است، a و b پارامترهای مجهول هستند که باید برآورد شوند و X_i مقادیر مشخصی از متغیرهای تشریحی است. اگر $E(e_i) = 0$ باشد، می‌توان الگو را به‌صورت (۲) بازنویسی کرد:

$$E(Y_i) = a + bX_i \quad (2)$$

در این رابطه، $E(Y_i)$ میانگین شرطی متغیر Y نامیده می‌شود. این رابطه بیان می‌کند که میانگین‌های متغیر Y در سطوح مختلف متغیر تشریحی در امتداد یک خط راست قرار دارند. این فرضیه هنگامی برقرار است که دو متغیر X و Y توزیع نرمال دو متغیر را تشکیل دهند. برای اطمینان از نرمال بودن توزیع، صفر بودن مقادیر مورد انتظار، واریانس مشترک و نرمال بودن اجزا خطا ضروری است، در غیر این صورت، باعث ایجاد برآوردگرهای ارببی شده و تفسیر از این الگو نادرست خواهد بود (همان، ۱۳۸۳).

باتوجه به موارد مذکور، رگرسیون معمولی ممکن است قادر نباشد اطلاعات کامل و جامعی درباره شکل توزیع متغیرهای تصادفی به پژوهشگران ارائه دهد. در این شرایط، چندک‌ها (کوانتایل‌ها) که جزو معیارهای تمرکز هستند، می‌توانند به‌صورت جامع‌تری شکل توزیع را به تصویر بکشند. الگوی رگرسیون معمولی برای برازش میانگین شرطی است، درحالی‌که الگوی رگرسیون چندکی برای چندک‌های شرطی کاربردی دارد. از مهم‌ترین کاربردهای الگوی رگرسیون چندکی می‌توان به بررسی دقیق‌تر رابطه بین متغیرها و شناسایی شکل توزیع متغیر وابسته در سطوح مختلف متغیر تشریحی اشاره کرد (انصاری و همکاران، ۱۳۸۵).

در این بخش، یک تعریف دقیق و مختصر از مدل رگرسیون چندکی ارائه خواهد شد. در این پژوهش، مدل رگرسیون چندکی برای ارزیابی اثرات نابرابری درآمدی بر امنیت اقتصادی در ایران به‌کاررفته است. این مدل به دلیل توانایی اثرگذاری متغیرهای مستقل در تمامی بخش‌های توزیع، به‌ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی، به کار می‌رود. همچنین، این مدل بدون مواجهه با مشکلات مربوط به فروض کلاسیک و داده‌های پرت در برآورد ضرایب عمل می‌کند (کونکر^۱، ۲۰۰۵). فرض بر این است که مدل رگرسیون خطی به شکل معادله زیر باشد:

$$Y_t = \theta(\tau)x_t + \alpha + e_t(\tau) \quad , \quad Q_{e_t(\tau)}(\tau | x_t) = 0 \quad (3)$$

آن‌گاه کوانتایل شرطی θ ام توزیع y به‌شرط متغیرهای تصادفی X به‌صورت زیر است:

$$Q_{y_t}(\tau | x_t) = \alpha + \theta(\tau)x_t \quad , \quad t = 1, 2, \dots, n \quad (4)$$

1. Koenker

که در آن $x = (1, x_1, \dots, x_k)$ و $\theta(\tau) = (\theta_0, \theta_1, \dots, \theta_k)$ به ترویتیب برداری از پارامترهای نامعلوم و مقادیر معلوم هستند و $e_t(\tau)$ یک متغیر تصادفی مشاهده نشدنی است. بر اساس روش کونکر (۲۰۰۵)، عرض از مبدا (α) و ضرایب $\theta(\tau)$ برای هر کوانتایل به صورت زیر برآورد می‌گردند:

$$(\hat{\theta}, \hat{\alpha}) = \arg \min_{(\theta, \alpha)} \sum_{k=1}^q \sum_{t=1}^T \sum_{i=1}^n \rho_{\tau_k} [Y_{it} - \theta(\tau_k) X_{it} - \alpha_i] + \lambda \sum_{i=1}^n |\alpha_i| \quad (5)$$

که، $\rho_{\tau}(e) = e[\tau - I(e < 0)]$ و $I(\cdot)$ تابع مقیاس و λ مینیمم واریانس است.

نمونه مورد بررسی در این مطالعه کشور ایران است. داده‌های مورد استفاده به روش اسنادی، با مراجعه به آرشیو اطلاعات از بانک جهانی، مرکز آمار و بانک مرکزی جمع‌آوری شده است. با استفاده از بررسی مطالعات پیشین و مبانی نظری موضوع، ۳ متغیر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و امنیت غذایی به عنوان مهم‌ترین متغیرهای موثر بر شکل‌گیری امنیت اقتصادی شناسایی شدند. سپس با استفاده از روش منطق فازی و استنتاج ممدانی، سری زمانی شاخص امنیت اقتصادی در ایران برآورد شد. برای مطالعه بیشتر در مورد نحوه و چگونگی برآورد شاخص امنیت اقتصادی به مطالعه عزتی و همکاران (۱۳۹۸) مراجعه شود. داده‌های مورد نیاز برای برآورد مدل طی بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ است. در مطالعه حاضر به تبعیت از مطالعات موجود در جدول (۱) و مقایسه مبانی نظری مدل زیر ارائه می‌گردد.

$$GINI = F(ES, FDI, URB, GS, UM, INF, HEX)$$

متغیرهای وابسته و مستقل به همراه منبع هر کدام از متغیرها و مطالعات مورد استفاده جهت انتخاب متغیرهای مستقل در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول شماره (۱) معرفی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نماد	نام به فارسی	واحد	منبع	مطالعه مورد استفاده
وابسته	GINI	ضریب جینی	۱۰۰ - ۰	مرکز آمار ایران	-
مستقل	ES	شاخص امنیت اقتصادی	۱۰۰ - ۰	بر اساس داده‌های محاسبه شده در مقاله عزتی و همکاران (۱۳۹۸) و به‌روز رسانی آن‌ها	عزتی و همکاران (۱۳۹۸) لی و همکاران (۲۰۱۵) تسکوف (۲۰۲۰)
	FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	درصد از تولید ناخالص داخلی	World bank	وان و همکاران ^۱ (۲۰۲۲) کایلوها و آدجاسی ^۲ (۲۰۱۸) لی و همکاران ^۳ (۲۰۲۲)

1. Wan, G., et al.

2. Kaulihowa, T., & Adjasi, C.

3. Lee, C. C., et al.

نوع متغیر	نماد	نام به فارسی	واحد	منبع	مطالعه مورد استفاده
	URB	نرخ شهرنشینی	درصد از کل جمعیت		وان و همکاران ^۱ (۲۰۲۲)
	GS	سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی	درصد		لئو ^۲ (۲۰۲۳)
	HEX	سهم مخارج سلامت از تولید ناخالص داخلی	درصد		گائو و شی ^۳ (۲۰۲۲)
	UM	نرخ بیکاری	درصد		نسلیمان و سما ^۴ (۲۰۲۳)
	INF	نرخ تورم	درصد		ادموند و همکاران ^۵ (۲۰۲۳)

منبع: یافته های پژوهش

۴. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های پژوهش

در این بخش، نتایج مرتبط با آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز ارائه خواهد شد. باتوجه به وجود شکست های ساختاری متعددی در اقتصاد ایران (سوری، ۱۳۹۲)، در این پژوهش از آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز (۱۹۹۲) بهره گرفته شده است. نتایج مربوط به آزمون مانایی متغیرهای تحقیق در جدول (۲) نمایش داده شده است.

جدول شماره (۲) آزمون مانایی متغیرها

نام متغیر	نماد متغیر	آماره آزمون / سطح	یک بار تفاضل	سال شکست	مانایی
ضریب جینی	Gini	۷/۵۱۸ - (۰/۰۰۰)	-	۱۳۸۵	I(0)
امنیت اقتصادی	ES	۳/۹۹۳ - (۰/۰۰۴)	-	۱۳۸۷	I(0)
شهری شدن	URB	۴/۹۴۹ - (۰/۰۰۰)	-	۱۳۷۷	I(0)
اندازه دولت	GS	۳/۵۹۹ - (۰/۰۰۳)	-	۱۳۹۳	I(0)
بیکاری	UM	۳/۹۴۸ - (۰/۰۰۷)	-	۱۳۷۹	I(0)
نرخ تورم	INF	۳/۰۷۵ - (۰/۰۰۷)	-	۱۳۹۹	I(0)
سهم مخارج سلامت از GDP	HEX	۴/۹۶۳ - (۰/۰۰۰)	-	۱۳۹۵	I(0)
سرمایه گذاری مستقیم خارجی	FDI	۵/۵۹۷ - (۰/۰۳۰)	-	۱۳۸۱	I(0)

1. Wan, G., et al.

2. Luo, W.

3. guo Zhao, J., & Shi, L.

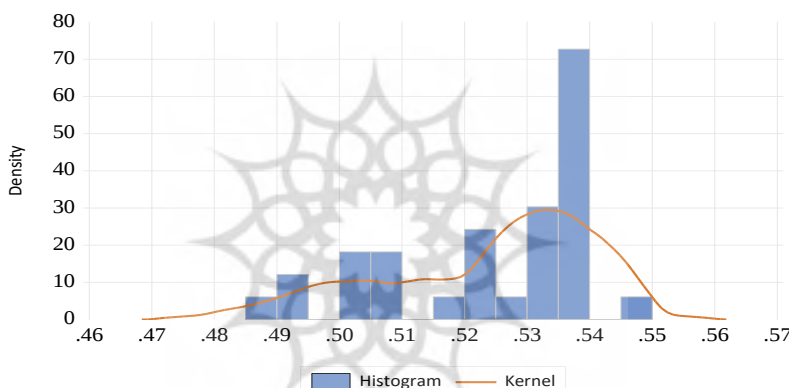
4. Neslihan, S., Sema, O.

5. Edmond, B., et al.

منبع: یافته های پژوهش

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود، تمامی متغیرهای پژوهش با در نظر گرفتن یک شکست ساختاری در سطح مانا هستند. این بدان معناست که متغیرها بدون نیاز به تفاضل گیری اضافی، در سطح خود پایدار بوده و نوسانات آن ها به مرور زمان کاهش می یابد. به طور کلی، در تحلیل های اقتصادسنجی، وقتی متغیرها در سطح مانا باشند، نیاز به انجام آزمون های هم جمعی یا هم انباشتگی کاهش می یابد. دلیل این امر این است که مانایی متغیرها نشان دهنده عدم وجود روندهای تصادفی بلندمدت است و به این ترتیب، متغیرها به طور طبیعی به میانگین بلندمدت خود بازمی گردند، بدون اینکه نیاز به بررسی روابط تعادلی بلندمدت میان آن ها وجود داشته باشد.

در این پژوهش از روش رگرسیون چندکی استفاده شده است. قبل از ارائه و تفسیر نتایج، در نمودار (۲) هیستوگرام مربوط به متغیر ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته نشان داده شده است.



نمودار شماره (۲) هیستوگرام روند ضریب جینی در ایران

منبع: یافته های پژوهش

نمودار (۲) روند ضریب جینی در ایران را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، این نمودار دارای چولگی به سمت چپ و نقاط غیرنرمال است که نشان دهنده توزیع نامتقارن داده ها است. این چولگی و وجود نقاط غیرنرمال نشان می دهد که داده ها به صورت یکنواخت توزیع نشده اند و در برخی نواحی، تراکم داده ها بیشتر است. چنین وضعیتی می تواند بر تحلیل های آماری و مدل سازی تأثیر بگذارد. به دلیل چولگی موجود در متغیر ضریب جینی (که به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است)، استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی^۱ برای تحلیل عوامل مؤثر بر ضریب جینی در ایران مناسب نخواهد بود. روش حداقل مربعات معمولی به طور کلی فرض می کند که توزیع خطاها نرمال و داده ها به طور یکنواخت توزیع شده اند. در صورتی که این فرض نقض شود، نتایج حاصل از رگرسیون ممکن است دقیق و قابل اعتماد نباشد و مدل نتواند به درستی روابط واقعی میان متغیرها را منعکس کند. باتوجه به چولگی موجود در متغیر وابسته و نیاز به

^۱. OLS

در نظر گرفتن تمامی قسمت‌های توزیع متغیر، استفاده از روش رگرسیون چندکی به‌عنوان جایگزین مناسب مطرح شده است. رگرسیون چندکی، برخلاف روش حداقل مربعات معمولی، امکان بررسی تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را در نقاط مختلف توزیع فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، این روش قادر است تأثیر متغیرهای مختلف را نه تنها بر میانگین، بلکه بر بخش‌های مختلف توزیع (مانند صدک‌های مختلف) بررسی کند. این ویژگی باعث می‌شود که رگرسیون چندکی ابزاری مناسب‌تر برای تحلیل داده‌هایی با توزیع نامتقارن و چولگی باشد.

بنابراین، الگوی پژوهش بر اساس روش رگرسیون چندکی برآورد شده است تا تحلیل دقیق‌تر و جامعی از عوامل مؤثر بر ضریب جینی در ایران ارائه شود. این روش به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا تأثیرات متغیرها را در سطوح مختلف توزیع متغیر وابسته بررسی کند و نتایج حاصل از آن به‌طور کلی قابل اعتمادتر و دقیق‌تر خواهند بود. در این بخش نتایج مربوط به رگرسیون چندکی ارائه شده است.

جدول شماره (۳) نتایج رگرسیون چندکی

متغیر / چندکی	Q10	Q20	Q30	Q40	Q50	Q60	Q70	Q80	Q90
ES	ضریب	-۰/۰۲۰	-۰/۰۲۱	-۰/۰۵۶	-۰/۰۷۰	-۰/۰۸۶	-۰/۰۸۷	-۰/۰۶۰	-۰/۰۶۴
	آماره t	-۲/۲۸**	-۲/۸۰*	-۲/۸۱*	-۲/۴۵*	-۲/۵۸*	-۲/۶۴*	-۹/۷۸*	-۳/۷۹*
URB	ضریب	۰/۰۷۳	۰/۰۴۷	۰/۰۹۲	۰/۰۵۳	۰/۰۵۱	۰/۰۷۲	۰/۰۶۴	۰/۰۶۱
	آماره t	۲/۵۶**	۲/۰۴**	۲/۱۳**	۲/۰۸**	۲/۰۵**	۲/۹۸*	۶/۹۵*	۴/۵۶*
GS	ضریب	-۰/۰۱۰	-۰/۰۲۹	-۰/۰۵۰	-۰/۰۸۲	-۰/۰۷۹	-۰/۰۹۲	-۰/۱۲۱	-۰/۱۰۱
	آماره t	-۲/۵۲**	-۳/۰۰*	-۳/۰۳*	-۳/۱۳*	-۳/۰۹*	-۲/۱۳**	-۵/۴۰*	-۲/۲۷**
UM	ضریب	۰/۱۰۰	۰/۱۱۲	۰/۱۱۵	۰/۱۱۳	۰/۱۲۹	۰/۱۳۶	۰/۱۴۸	۰/۱۴۹
	آماره t	۳/۵۳*	۲/۰۷**	۴/۸۹*	۱/۷۶***	۱/۷۸***	۳/۵۵*	۹/۷۶*	۴/۶۳*
INF	ضریب	۰/۲۴۴	۰/۲۱۰	۰/۲۰۵	۰/۲۴۰	۰/۲۴۹	۰/۲۶۹	۰/۲۶۰	۰/۲۷۰
	آماره t	۴/۰۸*	۲/۶۹*	۲/۱۰**	۲/۰۰**	۴/۲۷*	۱/۱۲	۲/۴۵*	۲/۳۲**
HEX	ضریب	-۰/۱۱	-۰/۱۵	-۰/۱۶	-۰/۲۱	-۰/۲۲	-۰/۲۱	-۰/۰۱۱	-۰/۰۲۰
	آماره t	-۲/۴۵**	-۳/۶۵*	-۲/۶۰*	-۲/۷۸*	-۳/۸۵*	-۲/۹۲*	-۱/۸۹***	-۲/۰۳***
FDI	ضریب	-۰/۰۱۶	-۰/۰۲۴	-۰/۰۲۸	-۰/۰۳۳	-۰/۰۲۹	-۰/۰۳۸	-۰/۰۲۰	-۰/۰۰۹
	آماره t	-۲/۷۴**	-۱/۸۲***	-۲/۵۰*	-۲/۹۱*	-۱/۸۳***	-۲/۱۵**	-۳/۱۷*	-۲/۷۰*
C	ضریب	۰/۵۴۴	۰/۵۴۴	۰/۵۳۶	۰/۵۳۶	۰/۵۲۵	۰/۵۱۷	۰/۴۸۶	۰/۴۸۰
	آماره t	۱۰/۴۱۹*	۱۳/۶۴۱*	۱۸/۱۳۵*	۲۰/۸۶۳*	۲۱/۱۸۱*	۲۰/۷۴۲*	۱۱/۲۸۹*	۱۴/۸۵۴*

منبع: یافته‌های پژوهش

یادداشت: *، ** و *** به ترتیب معناداری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد است.

ضرایب امنیت اقتصادی در تمامی دهک‌ها منفی هستند و به ترتیب از -۰/۰۶۴ در دهک Q10 شروع شده و تا -۰/۰۲۰ در دهک Q90 کاهش می‌یابد. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر منفی امنیت اقتصادی بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. برای تمامی دهک‌ها، آماره t معنی‌داری ضرایب را تأیید می‌کند، به

طوری که تمامی ضرایب در سطح معناداری حداقل ۵ درصد (۰/۰۵) معنادار هستند. این موضوع نشان می‌دهد که تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمدی در تمامی دهک‌ها به طور قابل توجهی مهم است. امنیت اقتصادی به عنوان یک مفهوم کلیدی، شامل عواملی مانند ثبات اقتصادی، قابلیت پیش‌بینی سیاست‌های اقتصادی و حفاظت از حقوق مالکیت است. امنیت اقتصادی بالاتر، با ایجاد یک محیط اقتصادی باثبات و قابل پیش‌بینی، موجب کاهش عدم اطمینان در میان مردم می‌شود. این امر به‌ویژه برای گروه‌های کم‌درآمد که به دلیل محدودیت منابع مالی و دسترسی کمتر به اطلاعات اقتصادی، آسیب‌پذیرتر هستند، اهمیت بیشتری دارد. از منظر اقتصادی، با افزایش امنیت اقتصادی، فرصت‌های شغلی و درآمدی به‌ویژه برای گروه‌های کم‌درآمد بهبود می‌یابد. در دهک‌های پایین‌تر، این افزایش امنیت اقتصادی منجر به کاهش نابرابری درآمدی می‌شود، چرا که افراد بیشتری به بازار کار وارد می‌شوند و درآمد آن‌ها افزایش می‌یابد.

در دهک‌های بالاتر، تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری کم‌رنگ‌تر است، چرا که این گروه‌ها معمولاً دسترسی بیشتری به منابع مالی و اطلاعاتی دارند و در مواجهه با نوسانات اقتصادی، قادر به مدیریت بهتر ریسک‌ها هستند. این تحلیل نشان می‌دهد که سیاست‌های افزایش امنیت اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری درآمدی داشته باشد، به‌ویژه در میان اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه.

ضرایب شهرنشینی در تمامی دهک‌ها مثبت هستند و در دهک‌های مختلف متفاوت‌اند، به‌طوری که از ۰/۰۶۱ در دهک Q10 شروع و به ۰/۰۷۳ در دهک Q90 می‌رسد. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر مثبت شهرنشینی بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. آماره t برای تمامی دهک‌ها معنی‌دار است که تأثیر مثبت شهرنشینی بر نابرابری درآمدی را در تمام سطوح توزیع تأیید می‌کند. شهرنشینی، به عنوان فرآیندی که مردم را از مناطق روستایی به مناطق شهری جذب می‌کند، دارای اثرات متنوعی بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی است. از یک سو، شهرنشینی می‌تواند باعث افزایش دسترسی به فرصت‌های شغلی، آموزش، و خدمات بهداشتی شود. از سوی دیگر، رشد سریع شهرنشینی می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های زندگی، ازدحام شهری، و تفاوت‌های درآمدی شدیدتر میان ساکنان شهری شود. در دهک‌های پایین‌تر (Q10 تا Q40)، افزایش شهرنشینی می‌تواند به افزایش نابرابری درآمدی منجر شود، چرا که مهاجران جدید به شهرها ممکن است با چالش‌های فراوانی مانند دسترسی محدود به مسکن، اشتغال و خدمات عمومی روبه‌رو شوند. این عوامل می‌تواند نابرابری درآمدی را افزایش دهد، چرا که افراد تازه وارد به شهرها معمولاً در بخش‌های غیررسمی و کم‌درآمد کار می‌کنند. در دهک‌های بالاتر (Q70 تا Q90) تأثیر شهرنشینی بر نابرابری درآمدی همچنان مثبت است، اما شدت آن ممکن است کاهش یابد.

این احتمالاً به دلیل این است که افراد با درآمد بالاتر در مناطق شهری به فرصت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از رشد اقتصادی دسترسی دارند و از زیرساخت‌های بهتر بهره‌مند می‌شوند، درحالی که افراد کم‌درآمدتر همچنان با چالش‌های افزایش هزینه‌های زندگی و عدم دسترسی به فرصت‌های مشابه روبه‌رو هستند. به‌طور کلی، این تحلیل نشان می‌دهد که شهرنشینی بدون برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند به افزایش نابرابری درآمدی منجر شود، درحالی که سیاست‌های مؤثر در زمینه توسعه شهری و توزیع عادلانه فرصت‌ها می‌توانند تأثیرات منفی شهرنشینی بر نابرابری درآمدی را کاهش دهند.

ضرایب اندازه دولت در تمامی دهک‌ها منفی هستند و از $0/۱۰۱-$ در دهک Q10 به $۰/۰۱۰-$ در دهک Q90 کاهش می‌یابد. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر منفی اندازه دولت بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. آماره t برای تمامی دهک‌ها معنی‌دار است که نشان‌دهنده اهمیت تأثیر اندازه دولت بر نابرابری درآمدی در تمام سطوح توزیع است. اندازه دولت به معنای گستردگی و میزان مداخلات دولت در اقتصاد، از طریق مخارج عمومی، خدمات اجتماعی، و سیاست‌های مالیاتی است. گسترش اندازه دولت، به‌ویژه از طریق افزایش مخارج عمومی و ارائه خدمات اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری درآمدی ایفا کند. این امر به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر (Q10 تا Q50)، مشهودتر است، چرا که این گروه‌ها به خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، و تأمین اجتماعی وابستگی بیشتری دارند.

در دهک‌های پایین‌تر، افزایش اندازه دولت به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند، زیرا دولت می‌تواند از طریق توزیع مجدد درآمدها، ارائه یارانه‌ها، و برنامه‌های رفاهی به کاهش تفاوت‌های درآمدی کمک کند. این سیاست‌ها می‌توانند موجب بهبود شرایط زندگی اقشار کم‌درآمد و افزایش توانایی آن‌ها برای دستیابی به فرصت‌های اقتصادی شوند. در دهک‌های بالاتر (Q60 تا Q90) تأثیر اندازه دولت بر کاهش نابرابری درآمدی کمتر است، اما همچنان وجود دارد. این احتمالاً به دلیل این است که افراد با درآمد بالاتر کمتر به خدمات اجتماعی دولت وابسته‌اند و بیشتر از فرصت‌های خصوصی بهره‌مند می‌شوند. با این حال، سیاست‌های دولت در زمینه مالیات تصاعدی و توزیع مجدد درآمد همچنان می‌تواند به کاهش نابرابری در میان این گروه‌ها نیز کمک کند. این تحلیل نشان می‌دهد که افزایش اندازه دولت و مداخلات دولت در اقتصاد، به‌ویژه از طریق سیاست‌های حمایتی و خدمات اجتماعی، می‌تواند به کاهش نابرابری درآمدی کمک کند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران باید به اهمیت حفظ و گسترش این مداخلات توجه داشته باشند تا بتوانند به بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری کمک کنند.

ضرایب نرخ بیکاری در تمامی دهک‌ها مثبت است و از $۰/۱۴۹$ در دهک Q10 به $۰/۱۰۰$ در دهک Q90 کاهش می‌یابد. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر مثبت نرخ بیکاری بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. آماره t برای تمامی دهک‌ها معنی‌دار است که نشان‌دهنده اهمیت تأثیر نرخ بیکاری بر نابرابری درآمدی در تمامی سطوح توزیع است. بیکاری به‌عنوان یک شاخص کلیدی اقتصادی، نشان‌دهنده وضعیت بازار کار و توانایی اقتصاد در ایجاد اشتغال است. افزایش نرخ بیکاری، به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد قادر به ایجاد فرصت‌های شغلی کافی نیست، می‌تواند منجر به افزایش نابرابری درآمدی شود. این امر به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر درآمدی تأثیرگذارتر است، زیرا افراد در این گروه‌ها ممکن است به دلیل از دست دادن شغل یا عدم توانایی در یافتن شغل مناسب، با کاهش درآمد و کاهش سطح زندگی مواجه شوند. در دهک‌های پایین‌تر، افزایش نرخ بیکاری منجر به افزایش نابرابری درآمدی می‌شود، زیرا این گروه‌ها به‌طور کلی کمتر قادر به تحمل فشارهای اقتصادی هستند و بیشتر به حمایت‌های دولتی و اشتغال وابسته‌اند. این وضعیت می‌تواند باعث افزایش فقر و نابرابری در این گروه‌ها شود. در دهک‌های بالاتر، تأثیر نرخ بیکاری بر نابرابری درآمدی کمتر است، اما همچنان وجود دارد.

این احتمالاً به دلیل این است که افراد با درآمد بالاتر معمولاً دارای منابع بیشتری هستند و می‌توانند در برابر نوسانات اقتصادی مقاوم‌تر باشند. با این حال، افزایش بیکاری در این گروه‌ها نیز می‌تواند منجر به کاهش درآمدها و افزایش نابرابری شود، به‌ویژه اگر فرصت‌های شغلی برای افراد با تخصص‌های خاص محدود شود. از منظر سیاست‌گذاری، کاهش نرخ بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر باید به‌عنوان یک اولویت برای کاهش نابرابری درآمدی مدنظر قرار گیرد. سیاست‌هایی که به ارتقای مهارت‌های کاری، حمایت از مشاغل کوچک، و توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته کمک می‌کنند، می‌توانند در کاهش نرخ بیکاری و بهبود توزیع درآمد مؤثر باشند.

ضرایب نرخ تورم در تمامی دهک‌ها مثبت است و تقریباً در تمامی دهک‌ها مشابه است، از ۰/۲۷۰ در دهک Q10 تا ۰/۲۴۴ در دهک Q90. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر مثبت نرخ تورم بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. آماره t برای تمامی دهک‌ها معنی‌دار است که نشان‌دهنده اهمیت تأثیر نرخ تورم بر نابرابری درآمدی در تمامی سطوح توزیع است. تورم به‌عنوان افزایش عمومی و مداوم سطح قیمت‌ها، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر توزیع درآمد داشته باشد. تورم بالا می‌تواند باعث کاهش قدرت خرید افراد شود، به‌ویژه در میان اقشار کم‌درآمد که بخش بزرگی از درآمد خود را صرف کالاهای اساسی می‌کنند. این کاهش قدرت خرید می‌تواند منجر به افزایش نابرابری درآمدی شود، زیرا افراد با درآمد بالاتر ممکن است به دلیل دسترسی بهتر به سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های مالی، بتوانند از تأثیرات تورم مصون بمانند. در دهک‌های پایین‌تر، تأثیر تورم بر نابرابری درآمدی قوی‌تر است، چرا که این گروه‌ها بیشتر در معرض آسیب‌های تورمی هستند. افزایش قیمت کالاهای اساسی می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش سطح رفاه این گروه‌ها شود. از سوی دیگر، افراد با درآمد بالاتر ممکن است بتوانند از طریق سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی و تورم‌محور، از تورم بهره‌مند شوند که این امر به تشدید نابرابری درآمدی منجر می‌شود.

در دهک‌های بالاتر، تأثیر تورم بر نابرابری درآمدی همچنان مثبت است، اما شدت آن کمی کاهش می‌یابد. این به این دلیل است که افراد با درآمد بالاتر به طور نسبی می‌توانند تأثیرات منفی تورم را بهتر مدیریت کنند، اما افزایش تورم همچنان می‌تواند نابرابری درآمدی را در این گروه‌ها نیز افزایش دهد. به‌طور کلی، کنترل نرخ تورم و جلوگیری از نوسانات شدید قیمتی باید به‌عنوان یک هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی در نظر گرفته شود. سیاست‌های مالی و پولی که به تثبیت قیمت‌ها و حفظ قدرت خرید افراد کمک می‌کنند، می‌توانند در کاهش نابرابری درآمدی و بهبود رفاه عمومی مؤثر باشند.

ضرایب سهم مخارج بهداشتی از تولید ناخالص داخلی در تمامی دهک‌ها منفی است و از ۰/۰۳۰- در دهک Q10 به ۰/۱۱- در دهک Q90 کاهش می‌یابد. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر منفی سهم مخارج بهداشتی بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. آماره t برای تمامی دهک‌ها معنی‌دار است که نشان‌دهنده اهمیت تأثیر سهم مخارج بهداشتی بر نابرابری درآمدی در تمامی سطوح توزیع است. سهم مخارج بهداشتی از تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده میزان سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در بخش بهداشت و درمان است. افزایش سهم مخارج بهداشتی می‌تواند نقش مهمی در بهبود سطح سلامت عمومی و کاهش نابرابری‌های

اجتماعی ایفا کند. این امر به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر اهمیت دارد، چرا که دسترسی به خدمات بهداشتی مناسب می‌تواند بهبود کیفیت زندگی و افزایش فرصت‌های اقتصادی برای این گروه‌ها را به دنبال داشته باشد. در دهک‌های پایین‌تر، افزایش سهم مخارج بهداشتی از تولید ناخالص داخلی منجر به کاهش نابرابری درآمدی می‌شود. این به این دلیل است که افراد با درآمد پایین‌تر، بیشتر به خدمات بهداشتی دولتی وابسته‌اند و افزایش این مخارج می‌تواند دسترسی آن‌ها به خدمات بهداشتی بهتر و مقرون به‌صرفه‌تر را فراهم کند.

این موضوع می‌تواند منجر به بهبود وضعیت سلامت عمومی و افزایش توانایی این افراد برای مشارکت فعال‌تر در بازار کار شود که در نهایت به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند. در دهک‌های بالاتر، تأثیر سهم مخارج بهداشتی بر نابرابری درآمدی همچنان منفی است، اما شدت آن بیشتر می‌شود. این ممکن است به دلیل این باشد که افراد با درآمد بالاتر نیز از افزایش سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت بهره‌مند می‌شوند، به‌ویژه اگر این سرمایه‌گذاری‌ها به بهبود کیفیت خدمات بهداشتی عمومی و کاهش هزینه‌های درمانی منجر شود. در نتیجه، این افراد نیز از بهبود وضعیت بهداشت و درمان بهره‌مند می‌شوند که می‌تواند به کاهش نابرابری درآمدی کمک کند. از منظر سیاست‌گذاری، افزایش سهم مخارج بهداشتی از تولید ناخالص داخلی می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای کاهش نابرابری درآمدی و بهبود رفاه عمومی در نظر گرفته شود. سیاست‌گذاران باید به اهمیت سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت توجه کنند و تلاش کنند تا این سرمایه‌گذاری‌ها به طور عادلانه‌ای در بین همه گروه‌های درآمدی توزیع شود.

ضرایب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تمامی دهک‌ها منفی است و از ۰/۰۹- در دهک Q10 به ۰/۱۶- در دهک Q90 کاهش می‌یابد. این ضرایب نشان‌دهنده تأثیر منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ضریب جینی در تمامی سطوح توزیع درآمد است. آماره t برای تمامی دهک‌ها معنی‌دار است که نشان‌دهنده اهمیت تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمدی در تمامی سطوح توزیع است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند نقش کلیدی در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، و کاهش نابرابری درآمدی ایفا کند. ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، انتقال فناوری، و افزایش رقابت در بازارهای داخلی منجر شود که همگی این عوامل می‌توانند به بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری‌ها کمک کنند. در دهک‌های پایین‌تر، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کاهش نابرابری درآمدی قوی‌تر است. این به این دلیل است که ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی معمولاً با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و افزایش دستمزدها برای کارگران کم‌درآمد همراه است. این افراد می‌توانند از فرصت‌های جدید شغلی بهره‌مند شوند و درآمد خود را افزایش دهند که این امر به کاهش نابرابری درآمدی منجر می‌شود.

در دهک‌های بالاتر، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمدی همچنان منفی است، اما شدت آن کاهش می‌یابد. این ممکن است به دلیل این باشد که افراد با درآمد بالاتر معمولاً از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و بازدهی بالاتر بهره‌مند می‌شوند و در نتیجه تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در این گروه‌ها کمتر مشهود است. با این حال، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنان می‌تواند به کاهش نابرابری درآمدی در این گروه‌ها کمک کند، به‌ویژه از طریق افزایش رقابت در بازارهای داخلی و کاهش قیمت‌ها. از منظر

سیاست‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای کاهش نابرابری درآمدی در نظر گرفته شود. دولت‌ها باید تلاش کنند تا شرایطی فراهم کنند که ورود سرمایه‌های خارجی به کشور تسهیل شود و این سرمایه‌ها به طور عادلانه در بین گروه‌های مختلف درآمدی توزیع شود. همچنین، باید توجه داشت که جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تنهایی کافی نیست و باید همراه با سیاست‌های حمایتی از گروه‌های کم‌درآمد باشد تا بتواند تأثیرات مثبتی بر کاهش نابرابری درآمدی داشته باشد.

این تحلیل گسترده نشان می‌دهد که هر یک از متغیرهای مورد بررسی تأثیرات متفاوتی بر ضریب جینی و نابرابری درآمدی در دهک‌های مختلف درآمدی دارند. متغیرهایی مانند امنیت اقتصادی، اندازه دولت، سهم مخارج بهداشتی، و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیرات مثبتی بر کاهش نابرابری دارند، درحالی‌که متغیرهایی مانند شهرنشینی، نرخ بیکاری، و نرخ تورم تمایل به افزایش نابرابری درآمدی دارند. تحلیل این تأثیرات در دهک‌های مختلف توزیع درآمد نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید به تأثیرات غیرهمسان این متغیرها در سطوح مختلف درآمدی توجه داشته باشند و سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که به طور جامع به کاهش نابرابری درآمدی کمک کنند. استفاده از رگرسیون چندکی در این پژوهش به‌خوبی نشان داده است که بررسی تأثیرات متغیرها در سطوح مختلف توزیع درآمد چقدر می‌تواند به درک دقیق‌تر از پویایی‌های نابرابری کمک کند و این روش باید در تحلیل‌های اقتصادی بیشتر موردتوجه قرار گیرد.

در این بخش، آزمون تقارن ضرایب بررسی می‌شود. جدول (۴) نشان‌دهنده آزمون تقارن ضرایب است.

جدول شماره (۴) نتایج آزمون تقارن ضرایب

متغیر	تقارن بین چندکی‌ها	آماره	احتمال
ES	۰/۱ - ۰/۹	۰/۸۱	۰/۷۵
	۰/۲ - ۰/۸	-۰/۵۹	۰/۸۲
	۰/۳ - ۰/۷	۰/۱۲	۰/۸۹
	۰/۴ - ۰/۶	۱/۹۱	۰/۷۸
URB	۰/۱ - ۰/۹	۰/۵۵	۰/۵۷
	۰/۲ - ۰/۸	-۰/۳۷	۰/۷۴
	۰/۳ - ۰/۷	-۰/۸۸	۰/۷۴
	۰/۴ - ۰/۶	۰/۴۱	۰/۴۷
GS	۰/۱ - ۰/۹	۰/۵۵	۰/۷۴
	۰/۲ - ۰/۸	-۰/۱۲۳	۰/۸۲
	۰/۳ - ۰/۷	۰/۳۴	۰/۸۰
	۰/۴ - ۰/۶	۰/۳۷	۰/۷۸
UM	۰/۱ - ۰/۹	۰/۲۰	۰/۴۷
	۰/۲ - ۰/۸	۰/۴۳	۰/۱۹
	۰/۳ - ۰/۷	۰/۰۰۲	۰/۸۵

متغیر	تقارن بین چندکی‌ها	آماره	احتمال
INF	۰/۴ - ۰/۶	۰/۰۹	۰/۳۹
	۰/۱ - ۰/۹	-۱/۱۱	۰/۳۱
	۰/۲ - ۰/۸	-۱/۲۱	۰/۱۷
	۰/۳ - ۰/۷	۰/۲۱	۰/۶۶
	۰/۴ - ۰/۶	۰/۳۲	۰/۴۱
HEX	۰/۱ - ۰/۹	-۰/۶۴	۰/۳۱
	۰/۲ - ۰/۸	-۰/۲۵	۰/۲۶
	۰/۳ - ۰/۷	-۰/۹۸	۰/۷۰
	۰/۴ - ۰/۶	-۰/۴۳	۰/۶۷
FDI	۰/۱ - ۰/۹	-۰/۵۵	۰/۸۲
	۰/۲ - ۰/۸	-۰/۷۷	۰/۵۱
	۰/۳ - ۰/۷	۰/۴۵	۰/۸۳
	۰/۴ - ۰/۶	۰/۹۴	۰/۳۹

منبع: یافته های پژوهش

آزمون تقارن چندک‌ها یکی از ابزارهای کلیدی و بسیار مهم در روش رگرسیون چندکی محسوب می‌شود که به پژوهشگران امکان می‌دهد تا بررسی کنند آیا تفاوت معناداری در ضرایب مربوط به چندک‌های متقارن وجود دارد یا خیر. این آزمون به‌ویژه در مطالعاتی که به تحلیل روابط پیچیده بین متغیرها در سطوح مختلف توزیع داده‌ها می‌پردازند، اهمیت بالایی دارد. به بیان ساده‌تر، آزمون تقارن چندک‌ها این امکان را می‌دهد که آیا متغیرهای مستقل تأثیر یکسانی بر متغیر وابسته در چندک‌های مختلف دارند یا اینکه تأثیر آن‌ها با تغییر چندک متفاوت است. اگر نتایج آزمون نشان دهد که تفاوت معناداری در ضرایب چندک‌های متقارن وجود ندارد، این بدان معناست که متغیرهای مستقل در چندک‌های مختلف به طور مشابه عمل می‌کنند و اثرگذاری آن‌ها بر متغیر وابسته در تمامی چندک‌های متقارن یکسان است. این نتیجه به پژوهشگر این اطمینان را می‌دهد که متغیرهای مستقل در تمامی قسمت‌های توزیع، تأثیر یکنواختی بر متغیر وابسته دارند و نیازی به نگرانی درباره تغییرات در تأثیر این متغیرها در سطوح مختلف توزیع نیست.

از سوی دیگر، در صورتی که تفاوت معناداری در ضرایب چندک‌های متقارن مشاهده شود، این امر نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در سطوح مختلف توزیع یکسان نیست و باید به تفاوت‌های موجود توجه ویژه‌ای شود. در مطالعه حاضر، آزمون تقارن چندک‌های مدل اول که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است، نشان می‌دهد که در چندک‌های مورد بررسی برای تمامی متغیرهای پژوهش، فرضیه صفر مبنی بر تقارن نتایج در سطح خطای ۵ درصد رد نشده است. این بدان معناست که در این مدل، متغیرهای مستقل تأثیر یکسان و یکنواختی بر متغیر وابسته در چندک‌های مختلف دارند و هیچ تفاوت معناداری بین ضرایب چندک‌های

مقارن مشاهده نمی‌شود. این نتیجه برای پژوهشگر از این جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد مدل مورد بررسی به‌طور کلی با فرضیات اولیه سازگار است و متغیرهای مستقل به‌صورت یکنواخت بر متغیر وابسته در تمامی چندک‌های مورد بررسی تأثیر می‌گذارند.

در این بخش، آزمون برابری شیب‌ها در مدل اول بررسی می‌شود. جدول (۵) آزمون برابری شیب‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵) آزمون برابری شیب‌ها

متغیر	$Q_{0.1}=Q_{0.2}$	$Q_{0.2}=Q_{0.3}$	$Q_{0.3}=Q_{0.4}$	$Q_{0.4}=Q_{0.5}$	$Q_{0.5}=Q_{0.6}$	$Q_{0.6}=Q_{0.7}$	$Q_{0.7}=Q_{0.8}$	$Q_{0.8}=Q_{0.9}$
ES	آماره	-۰/۰۳۸	-۰/۰۲۲	-۰/۰۴۳	-۰/۰۳	-۰/۰۱۲	-۰/۰۳	-۰/۰۱
	احتمال	۰/۵۳	۰/۴۸	۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۷۴	۰/۴۵	۰/۳۵
URB	آماره	-۱/۰۹	۰/۰۶۲	-۰/۰۱۰	۰/۰۴۶	-۰/۰۱۱	۰/۰۴۸	۰/۰۲۳
	احتمال	۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۹۱	۰/۵۵	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۶۳
GS	آماره	۰/۰۴	-۰/۰۵۹	۰/۰۶۲	-۰/۰۵	-۰/۰۱۲	۰/۰۷۵	-۰/۰۴
	احتمال	۰/۷۸	۰/۶۴	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۷۴	۰/۴۴	۰/۳۲
UM	آماره	-۰/۰۰۲	۰/۰۳۵	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱
	احتمال	۰/۹۲	۰/۱۰۳	۰/۹۸	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۶۰	۰/۶۹
INF	آماره	۱/۲۴	-۰/۲۳	۰/۰۶۷	۰/۰۸۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۰/۰۱۴
	احتمال	۰/۶۳	۰/۳۰	۰/۷۹	۰/۵۸	۰/۵۴	۰/۶۴	۰/۶۰
HEX	آماره	۰/۰۸	-۰/۳۶	۰/۰۵۶	-۰/۰۳	-۰/۰۳۳	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴
	احتمال	۰/۵۶	۰/۱۱	۰/۹۶	۰/۷۷	۰/۸۸	۰/۵۲	۰/۴۹
FDI	آماره	۰/۰۶	-۰/۱۳	۰/۰۳۵	-۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۲۲	۰/۰۱۱
	احتمال	۰/۸۸	۰/۱۵	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۳۷	۰/۷۹	۰/۸۱

منبع: یافته‌های پژوهش

یکی از برجسته‌ترین مزیت‌های روش رگرسیون چندکی نسبت به سایر روش‌های تحلیل رگرسیونی، مانند روش حداقل مربعات معمولی، توانایی این روش در اندازه‌گیری و بررسی شیب‌ها در چندک‌های مختلف توزیع است. درحالی‌که روش حداقل مربعات معمولی تنها یک تخمین کلی از شیب برای کل داده‌ها ارائه می‌دهد، روش رگرسیون چندکی امکان می‌دهد که شیب‌های متفاوتی برای هر چندک محاسبه شود. این ویژگی بسیار مهم است؛ زیرا نشان‌دهنده آن است که اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌تواند در سطوح مختلف توزیع داده‌ها (در چندک‌های مختلف) متفاوت باشد. به عبارت دیگر، تأثیر متغیرهای مستقل ممکن است در بخش‌های مختلف توزیع، مانند بخش‌های پایین‌تر، میانی، یا بالاتر، متفاوت باشد، و این تفاوت‌ها می‌تواند بینش عمیق‌تری در مورد روابط پیچیده میان متغیرها ارائه دهد.

بالین‌حال، ممکن است در برخی موارد تفاوت‌های مشاهده شده بین شیب‌های مربوط به دو یا چند چندک خیلی معنادار یا قابل‌توجه نباشد. به همین دلیل، آزمون برابری شیب‌ها یکی از ابزارهای مهم و کاربردی در تحلیل رگرسیون چندکی است. این آزمون به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که بررسی کند آیا بین چندک‌های

مختلف تفاوت معناداری در شیب‌ها وجود دارد یا خیر. اگر این آزمون نشان دهد که تفاوت معناداری در شیب‌ها وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که اثرگذاری متغیرهای مستقل در چندک‌های مختلف تقریباً یکسان است و تفاوت‌های مشاهده‌شده از نظر آماری اهمیت زیادی ندارند.

این آزمون به‌ویژه برای بررسی تفاوت‌های اساسی بین برآوردهای حاصل از روش حداقل مربعات معمولی و روش رگرسیون چندکی بسیار مهم است. اگر نتایج آزمون برابری شیب‌ها نشان دهد که تفاوت معناداری بین چندک‌های مختلف وجود دارد، این موضوع می‌تواند حاکی از آن باشد که استفاده از روش رگرسیون چندکی در مقایسه با روش حداقل مربعات معمولی ارجحیت دارد، زیرا این روش قادر است تفاوت‌های مهمی را در تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در سطوح مختلف توزیع شناسایی کند.

در مطالعه حاضر، نتایج آزمون برابری شیب‌ها که در جدول (۵) ارائه شده است، نشان می‌دهد که در چندک‌ها و متغیرهای مورد بررسی، فرضیه صفر مبنی بر برابری شیب‌ها در چندک‌های متوالی در سطح خطای ۵ درصد رد نشده است. این بدان معناست که در مدل اول، تفاوت‌های مشاهده‌شده بین شیب‌های چندک‌های متوالی به‌قدری نیستند که از نظر آماری معنادار باشند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای مستقل در چندک‌های مختلف به‌طور کلی تأثیر مشابهی بر متغیر وابسته دارند و تفاوت‌های جزئی مشاهده‌شده نمی‌تواند به‌عنوان تفاوتی اساسی و مهم در نظر گرفته شود. این نتیجه اهمیت بررسی دقیق‌تر و استفاده از روش‌های مناسب آماری در تحلیل روابط پیچیده میان متغیرها را نشان می‌دهد و می‌تواند به پژوهشگران در انتخاب روش‌های تحلیلی مناسب کمک کند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. نتیجه‌گیری

امنیت اقتصادی و نابرابری درآمدی دو مفهوم حیاتی در علم اقتصاد هستند که تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه اجتماعی، رفاه عمومی، و ثبات سیاسی دارند. امنیت اقتصادی به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد و خانوارها از ثبات مالی برخوردار بوده و توانایی تأمین نیازهای اساسی خود مانند غذا، مسکن، آموزش و بهداشت را بدون نگرانی از آینده دارند. این وضعیت موجب می‌شود تا افراد در جامعه بتوانند با اطمینان خاطر برنامه‌ریزی کنند، در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند و به شکوفایی شخصی و اجتماعی دست یابند. امنیت اقتصادی نه تنها به معنای داشتن درآمد ثابت و کافی است، بلکه شامل دسترسی به حمایت‌های اجتماعی و فرصت‌های برابر برای همه افراد در جامعه نیز می‌شود. از سوی دیگر، نابرابری درآمدی به تفاوت‌های موجود در توزیع درآمد میان افراد و گروه‌های مختلف در جامعه اشاره دارد. زمانی که نابرابری درآمدی در جامعه بالا باشد، فاصله بین فقیرترین و ثروتمندترین افراد جامعه افزایش می‌یابد که این امر می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی، کاهش اعتماد به نهادهای دولتی و کاهش سطح کلی رفاه منجر شود.

نابرابری درآمدی می‌تواند فرصت‌های اقتصادی را برای گروه‌های کم‌درآمد محدود کرده و مانع از دسترسی آن‌ها به آموزش، بهداشت و فرصت‌های شغلی مناسب شود که در نهایت منجر به فقر مزمن و افزایش چرخه‌های نابرابری می‌شود. اهمیت امنیت اقتصادی در اینجا بیشتر مشخص می‌شود، زیرا در جوامعی که امنیت اقتصادی

بالاست، نابرابری درآمدی معمولاً کمتر بوده و فرصت‌ها به طور عادلانه‌تری توزیع می‌شوند. از طرفی، کاهش نابرابری درآمدی نیز می‌تواند به تقویت امنیت اقتصادی کمک کند، زیرا با بهبود توزیع درآمد و افزایش دسترسی همگانی به منابع اقتصادی، پایه‌های اقتصادی جامعه مستحکم‌تر می‌شود. در نهایت، امنیت اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدی نه تنها به رفاه اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک محیط پایدارتر، باثبات‌تر و منصفانه‌تر نیز منجر می‌شوند که در آن همه افراد می‌توانند از فرصت‌های موجود برای پیشرفت بهره‌مند شوند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که امنیت اقتصادی، سهم مخارج بهداشتی، اندازه دولت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان متغیرهای کلیدی نقش مهمی در کاهش نابرابری درآمدی در ایران ایفا می‌کنند. به بیان دقیق‌تر، افزایش امنیت اقتصادی از طریق تقویت اعتماد عمومی و ثبات در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، به کاهش شکاف درآمدی میان اقشار مختلف جامعه کمک می‌کند. همچنین، افزایش سهم مخارج بهداشتی به بهبود دسترسی به خدمات درمانی و ارتقای کیفیت زندگی افراد کم‌درآمد منجر شده و به طور مستقیم بر کاهش نابرابری درآمدی تأثیرگذار است. بزرگ‌تر شدن اندازه دولت نیز با تقویت خدمات عمومی و توزیع عادلانه‌تر منابع مالی، به کاهش اختلافات درآمدی میان گروه‌های مختلف جامعه منجر می‌شود. در نهایت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز با ایجاد فرصت‌های شغلی و انتقال فناوری‌های پیشرفته، بستر لازم برای رشد اقتصادی فراگیر و کاهش شکاف درآمدی را فراهم می‌کند. در مقابل، متغیرهایی نظیر نرخ تورم، نرخ بیکاری و شهرنشینی به عنوان عواملی که به تشدید نابرابری درآمدی منجر می‌شوند، مطرح می‌شوند.

افزایش نرخ تورم به کاهش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد انجامیده و توانایی آنان در تأمین نیازهای اساسی زندگی را محدود می‌کند. نرخ بالای بیکاری نیز به معنای افزایش تعداد افراد بدون درآمد پایدار بوده و باعث افزایش فاصله طبقاتی می‌شود. از سوی دیگر، روند شهرنشینی، به‌ویژه در شرایطی که زیرساخت‌های شهری به اندازه کافی توسعه نیافته باشند، می‌تواند به تمرکز ثروت در مناطق شهری و افزایش نابرابری میان مناطق شهری و روستایی منجر شود. این نتایج نشان می‌دهند که برای کاهش نابرابری درآمدی در ایران، سیاست‌گذاران باید تمرکز ویژه‌ای بر بهبود امنیت اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی نظیر بهداشت و آموزش، و همچنین کاهش تورم و بیکاری داشته باشند. همچنین، توسعه متوازن شهرنشینی و کاهش تمرکز جمعیت در مناطق خاص می‌تواند نقش مؤثری در بهبود عدالت اقتصادی ایفا کند.

در مقایسه با مطالعات داخلی، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج لعل‌خضری و علی‌آبادی (۱۴۰۱) همخوانی دارد، زیرا آن‌ها نیز بر نقش دولت در بهبود توزیع درآمد از طریق افزایش مخارج عمرانی و شفافیت مالیاتی تأکید کرده‌اند. همچنین، نتایج این تحقیق در خصوص تأثیر مثبت نرخ تورم بر نابرابری درآمدی، مشابه یافته‌های رادفر و همکاران (۱۳۹۹) است که نشان دادند رشد اقتصادی در ایران به طور متوازن گسترش نیافته و نابرابری را کاهش نداده است. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش در خصوص اثر منفی نابرابری درآمدی بر امنیت اقتصادی، با نتایج شهبازی (۱۳۹۹) همسو است که تأثیر منفی فقر و نابرابری را بر امنیت اقتصادی نشان داده‌اند.

در مقایسه با مطالعات خارجی، یافته‌های پژوهش حاضر تأییدکننده نتایج عبدالله و حسین (۲۰۲۲) است که نشان دادند رشد اقتصادی و سیاست‌های مالی می‌توانند از طریق کاهش فقر و بهبود امنیت اقتصادی، نابرابری درآمدی را کاهش دهند. نتایج این تحقیق همچنین با مدل پیشنهادی تسنکوف (۲۰۲۰) هم‌راستا است، زیرا وی نیز تأکید دارد که رشد اقتصادی از طریق متغیرهایی مانند تورم، بیکاری و مخارج دولت بر امنیت اقتصادی و توزیع درآمد تأثیرگذار است. علاوه بر این، پژوهش حاضر همسو با مطالعه ناتانائیل و رهادیان (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که سیاست‌های حکومتی و ساختارهای اقتصادی می‌توانند توزیع درآمد و امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند.

۵-۲. پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش، چندین راهکار سیاستی قابل اجرا برای کاهش نابرابری درآمدی و تقویت امنیت اقتصادی پیشنهاد می‌شود. این راهکارها بر اساس تأثیر متغیرهای کلیدی شناسایی شده در پژوهش تدوین شده‌اند و می‌توانند به سیاست‌گذاران در تدوین برنامه‌های مؤثر برای افزایش عدالت اجتماعی و توسعه پایدار کمک کنند.

تقویت امنیت اقتصادی از طریق سیاست‌های حمایتی

با توجه به نقش مهم امنیت اقتصادی در کاهش نابرابری درآمدی، لازم است دولت سیاست‌های جامعی برای بهبود این شاخص اتخاذ کند. این سیاست‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با حمایت از صنایع مولد، شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط.
- تقویت نظام تأمین اجتماعی از طریق گسترش پوشش بیمه‌های بیکاری، بازنشستگی و خدمات درمانی برای اقشار آسیب‌پذیر.
- حفظ ثبات اقتصادی با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی پایدار که از شوک‌های اقتصادی و بحران‌های مالی جلوگیری کند.

بهبود جذب و مدیریت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به افزایش تولید، اشتغال و کاهش نابرابری درآمدی کمک کند. پیشنهاد می‌شود:

- دولت قوانین حمایتی و مشوق‌های مالیاتی جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی تدوین کند.
- زیرساخت‌های اقتصادی و حقوقی بهبود یابد تا سرمایه‌گذاران از امنیت اقتصادی و شفافیت برخوردار شوند.
- نظارت بر نحوه توزیع منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یابد تا این منابع به‌طور عادلانه در بین اقشار مختلف جامعه توزیع شود.

مدیریت هوشمند شهرنشینی برای جلوگیری از تشدید نابرابری

رشد سریع شهرنشینی می‌تواند نابرابری درآمدی را افزایش دهد. برای کنترل این اثرات منفی، پیشنهاد می‌شود:

- توسعه زیرساخت‌های مناطق کمتر برخوردار و ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای کوچک و مناطق روستایی مورد توجه قرار گیرد.
- کنترل هزینه‌های مسکن و اجاره‌بها در شهرهای بزرگ با اجرای سیاست‌های تنظیمی و حمایتی.
- اجرای برنامه‌های حمایتی و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد شهری از طریق ارائه خدمات اجتماعی و افزایش دسترسی به آموزش و بهداشت.

افزایش نقش دولت در باز توزیع درآمد و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های عادلانه، نابرابری درآمدی را کاهش دهد. برخی از اقدامات پیشنهادی شامل موارد زیر است:

- اجرای نظام مالیاتی تصاعدی که در آن، افراد و شرکت‌های پردرآمد سهم بیشتری از مالیات بپردازند.
- افزایش سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی نظیر آموزش، بهداشت و زیرساخت‌های اجتماعی که به بهبود وضعیت اقشار کم‌درآمد کمک می‌کند.
- اصلاح یارانه‌ها و کمک‌های اجتماعی به گونه‌ای که حمایت‌ها به‌طور هدفمند به نیازمندان واقعی برسد و از هدررفت منابع جلوگیری شود.

کاهش نرخ بیکاری از طریق توسعه مهارت‌آموزی و اشتغال‌زایی

بیکاری یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید نابرابری است. برای کاهش آن، سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار.
- حمایت از کارآفرینی و نوآوری از طریق ارائه تسهیلات مالی، کاهش بوروکراسی و بهبود فضای کسب‌وکار.
- گسترش اشتغال در بخش‌های مولد از جمله صنایع تکنولوژیک، کشاورزی پایدار و اقتصاد دیجیتال.

کنترل نرخ تورم برای جلوگیری از کاهش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد

افزایش نرخ تورم موجب کاهش قدرت خرید و افزایش نابرابری می‌شود. برای کنترل تورم، پیشنهاد می‌شود:

- مدیریت سیاست‌های پولی و مالی به گونه‌ای که نقدینگی بیش از حد در اقتصاد ایجاد نشود.
- تثبیت نرخ ارز و کنترل قیمت کالاهای اساسی به منظور جلوگیری از افزایش ناگهانی قیمت‌ها.
- اجرای برنامه‌های حمایتی مانند یارانه‌های هدفمند برای کاهش فشار اقتصادی بر خانوارهای کم‌درآمد.

افزایش مخارج سلامت برای کاهش شکاف درآمدی

افزایش هزینه‌های دولت در بخش سلامت، تأثیر مستقیم بر کاهش نابرابری درآمدی دارد. پیشنهاد می‌شود:

- افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی رایگان یا کم‌هزینه برای اقشار کم‌درآمد.
- بهبود زیرساخت‌های سلامت در مناطق محروم از طریق احداث بیمارستان‌ها و مراکز درمانی.
- اصلاح نظام بیمه درمانی به منظور افزایش پوشش و کاهش هزینه‌های درمانی برای افراد کم‌درآمد.

ایجاد نظام پایش و ارزیابی مستمر سیاست‌های کاهش نابرابری

برای اطمینان از اثربخشی سیاست‌های پیشنهادی، دولت باید یک نظام نظارت و ارزیابی جامع ایجاد کند. پیشنهادات در این زمینه شامل:

- طراحی و اجرای شاخص‌های ارزیابی نابرابری درآمدی به صورت سالانه.
- انجام پژوهش‌های مستمر و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی در زمینه کاهش نابرابری.
- انعطاف‌پذیری سیاست‌ها به گونه‌ای که در صورت عدم موفقیت، اصلاحات لازم به سرعت اعمال شوند.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بامنی مقدم، محمد و خوشگویان فرد، علیرضا. (۱۳۸۳). کاربرد رگرسیون کمی در شناسایی شکل توزیع رفاه مورد انتظار جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۵)، ۴۳-۵۶.
- بیاتی، محسن؛ رشیدیان، آرش؛ اکبری ساری، علی و امامقلی پور، سارا. (۱۳۹۶). درآمد مورد انتظار پزشکان عمومی در ایران: مطالعه‌ای توصیفی جهت کمک به سیاست‌گذاری در زمینه پرداخت منطقی و عادلانه، تحقیقات نظام سلامت حکیم، ۲۰(۲)، ۱۲۲-۱۳۰.
- تقی نژاد عمران، وحید و بهمن محمد (۱۳۵۷)، قاعده‌ی گسترش یافته تیلور: مطالعه موردی ایران تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۳(۹)، ۱-۱۹.
- رادفر، محمدرضا؛ زمردیان، غلامرضا و کریمخانی، مسعود. (۱۳۹۹). بررسی اثرات متقابل نابرابری درآمد، اشتغال و رشد اقتصادی، دانش سرمایه‌گذاری، ۹(۳۳)، ۲۸۳-۲۹۹.
- زروکی شهریار؛ تقی نژاد عمران، وحید و محمودی عالمی، عالیه. (۱۴۰۱). تحلیل اثر دوگانه تورم بر نابرابری درآمد در ایران: با تأکید بر سید کل و گروه‌های کالایی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه ۲۷(۱)، ۹۵-۱۲۵.
- سوری، علی. (۱۳۹۲). اقتصاد سنجی. انتشارات فرهنگ شناسی.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ نظیری، محمدکاظم و نعمتی، مرتضی. (۱۳۹۵). تأثیر نابرابری درآمد بر تابع تقاضای واردات کالاهای مصرفی ایران، پژوهشنامه بازرگانی، ۲۱(۸۱)، ۳۱-۵۶.
- شهبازی، نجفعلی. (۱۳۹۹). تحلیل آثار فقر و نابرابری درآمدی بر امنیت اقتصادی در ایران، فصلنامه اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی، ۱(۲)، ۱-۳۳.
- عاملی، محمد؛ غیاثوند، ابوالفضل و هادی نژاد، منیژه. (۲۰۲۴). تأثیر هزینه‌های سلامت بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی، اقتصاد مالی، ۶۶(۱۸)، ۱۶۷-۱۹۲.
- عزتی، مرتضی؛ مظفری، زانا و علیلو خاطره. (۱۳۹۸). اثر ساختار سنی جمعیت بر امنیت اقتصادی ایران. پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۹(۲)، ۱۲۵-۱۵۹.
- عصارى آرانی، عباس؛ ناصری، علیرضا و آقایی خوندابی، مجید. (۱۳۸۸). تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اوپک (OPEC)، پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۹(۳)، ۵۱-۲۹.
- لعل خضری، حمید و شیرزور علی ابادی، زهرا. (۱۴۰۱). نقش دولت در مبادله نابرابری درآمد-رشد اقتصادی: رویکرد خودرگرسیون برداری بی‌زین، نظریه های کاربردی اقتصاد، ۹(۴)، ۱۶۱-۱۹۲.

منابع لاتین

- Abdullah, R. T., & Husain, A. J. (2022). Economic growth and income inequality: The role of fiscal policy, Iraq as an example for the period of 2004-2019. *Journal of Kurdistan for Strategic Studies*, (2).
- Aghaei, M., & Lin Lawell, C. Y. C. (2022). Energy, economic growth, inequality, and poverty in Iran. *The Singapore Economic Review*, 67(2), 733-754.
- Anson, J. P. M. (2008). *Introduction to venture capital*. Wiley.
- Atkinson, A. B. (2016). Inequality: What can be done. *Practice*, 40(2), 289-292.
- Babenko, Y., Shapovalov, Y., & Rybalchenko, L. (2022). The importance of economic security in the modern world.
- Bağlıtaş, H. H., & Atik, H. (2023). Economic security and physical safety in the European Union: A multivariate statistical analysis. *Nicel Bilimler Dergisi*, 5(1), 64-89.
- Berisha, E., Ram, S., & Gharehgozli, O. (2022). Inflation and income inequality: Does the level of income inequality matter? *Applied Economics*, 55, 4319-4330.
- Busch, L., & Lacy, W. B. (2021). Introduction: What does food security mean? In *Food Security* (pp. 1-10). Routledge.
- Czelleng, Á., & Losoncz, M. (2022). Some macroeconomic effects of income inequality in a simulation approach. *Periodica Polytechnica Social and Management Sciences*, 30(2), 175-185.
- Dang, H. A. H., Nguyen, M. C., & Trinh, T. A. (2023). Does hotter temperature increase poverty and inequality? Global evidence from subnational data analysis.
- Diachkov, O. O. (2022). Economic security of the national economy: Essence, features, structure. *Ekonomični Gorizonti*, 82-94.
- Drumm, A. L., & Block, W. E. (2023). The benefits of income inequality. *MEST Journal*, 11.
- Feofilova, T., Alekseeva, I., Radygin, E., & Imani, M. (2020, November). Innovation in the Iranian economy: Risks and threats to Iran's national economic security. In *Proceedings of the International Scientific Conference—Digital Transformation on Manufacturing, Infrastructure and Service* (pp. 1-7).
- Galbraith, J. K. (2012). *Inequality and instability: A study of the world economy just before the great crisis*. Oxford University Press.
- Gradín, C., Leibbrandt, M., & Tarp, F. (2021). *Inequality in the developing world*. Oxford University Press.
- Hacker, J. S., Huber, G. A., Nichols, A., Rehm, P., Schlesinger, M., Valletta, R., & Craig, S. (2014). The economic security index: A new

measure for research and policy analysis. *Review of Income and Wealth*, 60(S1), S5-S32.

- HighQuest Partners. (2010). Private financial sector investment in farmland and agricultural infrastructure.
- Isroilov, B. I., Ibragimov, B. B., Pardaev, S. K., & Ibragimov, B. J. (2020). Economic security: Threats, analysis and conclusions. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 7(8), 64-76.
- Jafarzadeh, E., & He, S. (2019). The impact of income inequality on the economic growth of Iran: An empirical analysis. *Business Ethics and Leadership*, 3(2), 53-62.
- Javadi, A., Ghahremanzadeh, M., Sassi, M., Javanbakht, O., & Hayati, B. (2023). Economic evaluation of climate changes on food security in Iran: Application of CGE model. *Theoretical and Applied Climatology*, 151(1-2), 567-585.
- Kaulihowa, T., & Adjasi, C. (2018). FDI and income inequality in Africa. *Oxford Development Studies*, 46(2), 250-265.
- Klychova, G., Ostaev, G., Zakirova, A., Iskhakov, A., Konina, E., & Gainutdinova, E. (2022). Economic security: A critical approach to assessing the effectiveness of the resource potential of business. In *International School on Neural Networks* (pp. 1425-1436). Springer.
- Koenker, R. (2005). *Quantile regression*. Cambridge University Press.
- Lee, C. C., & Wang, E. Z. (2021). Economic complexity and income inequality: Does country risk matter? *Social Indicators Research*, 154, 35-60.
- Lee, C. C., Lee, C. C., & Cheng, C. Y. (2022). The impact of FDI on income inequality: Evidence from the perspective of financial development. *International Journal of Finance & Economics*, 27(1), 137-157.
- Lee, X., Guo, J., & Yang, B. (2015). Generating mechanism of the income gap: The perspective of private investment and economic growth. *Metallurgical & Mining Industry*, (5).
- Levkovska, L., & Dobryansky, O. (2022). General assessment of the level of economic security in the macroeconomic dimension. *Ефективна економіка*.
- Li, Z., & Lunku, H. S. (2023). Investigate asymmetry financial and technology development impacts on income inequality: Sub-Saharan Africa's quest for economic growth.
- Luo, W. (2023). Inequality and government size: A political economy theory and OECD evidence. In *Inequality, Demography and Fiscal Policy* (pp. 19-45). Springer.

- Milanovic, B. (2016). *Global inequality: A new approach for the age of globalization*. Harvard University Press.
- Nantob, N. (2015). Income inequality and inflation in developing countries: An empirical investigation. *Economics Bulletin*, 35(4), 2888-2902.
- Natanael, Y., & Rahadian, F. (2019). The economic effect of democratic security policy against inequity: Empirical case from Colombia, 2000.
- Ncube, M., Anyanwu, J. C., & Hausken, K. (2014). Inequality, economic growth and poverty in the Middle East and North Africa (MENA). *African Development Review*, 26(3), 435-453.
- Ndou, E., & Mokoena, T. (2019). Does the income inequality channel impact the transmission of monetary policy shocks to economic activity? Evidence from South Africa. In *Inequality, Output-Inflation Trade-Off and Economic Policy Uncertainty* (pp. 75-86).
- Nikitskaya, E. (2023). Financial security of economic entities: Macroeconomic aspects. *Федерализм*, 28(1), 153-171.
- Osberg, L., & Sharpe, A. (2002). An index of economic well-being for selected OECD countries. *Review of Income and Wealth*, 48(3), 291-316.
- Ostadi, F., & Sadeghi, S. K. (2021). The impact of income inequality on the level of community health and economic development in Iran. *International Journal of Innovation in Management, Economics and Social Sciences*, 1(2), 64-83.
- Petrakos, G., Rontos, K., Vavoura, C., & Vavouras, I. (2023). The impact of recent economic crises on income inequality and the risk of poverty in Greece. *Economies*, 11(6), 166.
- Prieto, J. (2022). A multidimensional approach to measuring economic insecurity: The case of Chile. *Social Indicators Research*, 163(2), 823-855.
- Romaguera-de-la-Cruz, M. (2020). Measuring economic insecurity using a counting approach: An application to three EU countries. *Review of Income and Wealth*, 66(3), 558-583.
- Ş., N., & O., S. (2023). Economic growth, unemployment, and income inequality: The case of BRICS-T countries. *Finans Ekonomi ve Sosyal Araştırmalar Dergisi*.
- Sadykova, A., Sokolov, A. P., Rutsкои, R. A., Patlan, E. S., Atamanchuk, M. O., & Idrisov, I. M. (2023). Economic security as a tool for ensuring national economic development. *SHS Web of Conferences*, 164.
- Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford University Press.
- Shahabadi, A., Nemati, M., & Samari, H. (2015). Effect of income inequality on demand for grain import in Iran. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 17(5), 1085-1093.

- Soylu, Ö. B., Orhan, A., & Emikönel, M. (2021). Measuring the effect of wage inequality on income distribution via Theil index in the manufacturing industry of Spain-Portugal. In *Management and Conservation of Mediterranean Environments* (pp. 210-226). IGI Global.
- Sugiarti, I., & Erdkhadifa, R. (2023). Analisis faktor-faktor yang berpengaruh terhadap ketimpangan pendapatan di Jawa Timur tahun 2021. *Al-Kharaj: Jurnal Ekonomi, Keuangan & Bisnis Syariah*, 5(5), 2427-2441.
- Talijan, M., Tatić, V., & Lojic, R. (2015). The impact of the economy condition on the economic and national security. *Vojno Delo*, 67(1), 200-215.
- Tsenkov, Y. (2020). Model for economic security assessment. *European Journal of Marketing and Economics*, 3(1), 1-10.
- United Nations Development Program. (2021). *Human development report 2020*. Oxford University Press.
- Ustinovich, E. S. (2022). Social aspects of economic security. *Social'naja Politika i Social'noe Partnerstvo*, (7), 463-480.
- Uwayo, M., Hernandez, M., & Ross, D. (2021). Income inequality: Understanding the needs of economically disadvantaged children and families. In *A Scientific Framework for Compassion and Social Justice* (pp. 151-158). Routledge.
- Wahyuningrum, D., & Aisyah, S. (2023). Do government policies and socioeconomic conditions affect income inequality? *Economics Development Analysis Journal*, 12(1), 13-25.
- Wan, G., Zhang, X., & Zhao, M. (2022). Urbanization can help reduce income inequality. *NPJ Urban Sustainability*, 2(1), 1.
- Wang, K. M., & Nguyen Thi, T. B. (2022). Quantile panel-type analysis for income inequality and healthcare expenditure. *Economic Research*, 35(1), 873-893.
- Wiraszka, P., & Karpinska, U. (2020). Economic security as an element of the region's development process on the example of communes of the Świętokrzyskie Voivodship. *Baltic Journal of Economic Studies*, 6(3), 67-75.
- Wu, W., Wang, L., Erzurumlu, Y. O., Gozgor, G., & Yang, G. (2022). Effects of country and geopolitical risks on income inequality: Evidence from emerging economies. *Emerging Markets Finance and Trade*, 58(15), 4218-4230.
- Yıldırım, A. E., & Dibo, M. (2021). The impacts of income inequality on the gross domestic product under direct taxation: Evidence from emerging market economies. *International Journal of Social Economics*, 48(10), 1516-1541.

- Zaroki, S., Omran, V. T., & Alami, A. M. (2022). The dual effect of inflation on income inequality in Iran—Emphasizing the total basket and commodity groups. *Planning and Budgeting*, 27(1), 95-125.
- Zhao, J. G., & Shi, L. (2022). Commercial health insurance, catastrophic medical expenditures and resident income inequality.

